

# خط صلح

ماهنامه‌ی حقوقی اجتماعی خط صلح  
شماره ۸۱ - بهمن ۱۳۹۶ - سال هشتم

دلبز توکلی؛ پیش بینی حذف یارانه  
میلیون‌ها نفر در لایحه بودجه ۹۷



محمد حبیبی؛ بودجه انقباضی‌تر  
آموزش عمومی در سال ۹۷



فاطمه اختصاری؛ تخصیص بودجه  
زنان؛ به نام زن، به کام چه کسی؟



خسرو صادقی بروجنی؛ پاشنه رفاه  
بر همان در می‌چرخد

پرونده ویژه

## لایحه بودجه ۹۷



دکتر علیرضا زینعلی سرکمانی:  
بودجه ۹۷، تلاشی برای  
کاهش هزینه‌های بدون  
بازده اجتماعی ندارد

بهمن احمد امویری:  
شفافیت لایحه بودجه  
۹۷ شعار گونه است

۳	شما چه گفته‌اید؟
۳	کارتون ماه/ کاری از شاهرخ حیدری
۴	دیده‌بان
۵	قطع دست سارق گوسفندان و عدالت کیفری در جرایم مالی در ایران/ محمد محبی
۹	دنیا مرا کجا می‌برد: شعری از رضا اکوانیان
۱۰	حقوق بشر اسلامی و یا بومی سازی حقوق بشر، امری ناممکن/ قهرمان قنبری
۱۴	پرونده ویژه؛ لایحه بودجه ۹۷
۱۵	پاشنه رفاه بر همان در می چرخد/ خسرو صادقی بروجنی
۱۹	علی دینی ترکمانی: بودجه ۹۷، تلاشی برای کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی ندارد/ سیمین روزگرد
۲۱	بودجه انقباضی تر آموزش عمومی در سال ۹۷/ محمد حبیبی
۲۳	بهمن احمدی امویی: شفافیت لایحه بودجه ۹۷ شعارگونه است/ علی کلائی
۲۷	پیش بینی حذف یارانه میلیون ها نفر در لایحه بودجه ۹۷/ دلبر توکلی
۳۱	تخصیص بودجه زنان؛ به نام زن، به کام چه کسی؟/ فاطمه اختصاری
۳۶	لزوم رعایت اصول حکمرانی مطلوب و نظارت دموکراتیک در بودجه بندی/ محمد مقیمی
۳۸	با پول مردم در بودجه ۹۷ چه می کنند؟/ مرتضی هامونیان
۴۳	افزایش عوارض خروج از کشور؛ کاهش شانس امید/ بهروز کاظمی
۴۵	بنزین را گران نکن، بودجه سپاه را کم کن!/ بهداد بردبار
۴۷	معرفی کتاب: از تعقیب تا زندان

### ماهنامه‌ی حقوقی - اجتماعی خط صلح

صاحب امتیاز: مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

سردبیر: سیمین روزگرد

دبیر اندیشه: محمد محبی

دبیر اجتماعی: علی کلائی

طراح گرافیک: غزاله شاکری

دبیر فرهنگی: رضا نجفی

همکاران این شماره: محمد حبیبی، خسرو صادقی بروجنی، محمد مقیمی، فاطمه اختصاری، رضا اکوانیان، دلبر توکلی، شاهرخ حیدری، بهداد

برددبار، بهروز کاظمی، قهرمان قنبری، مرتضی هامونیان و بهروز حقیقی

ماهنامه‌ی خط صلح حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می‌دارد.

استفاده از مطالب خط صلح با ذکر منبع بلامانع است.



اطلاعات تماس با ما :

Address:

12210 Fairfax Towne Center, Unit 911

Fairfax VA 22033

United State

Phone: +1 (571) 223 54 06

Fax: +1 (571) 298 82 17

E-mail: editor@peace-mark.org

Web: www.peace-mark.org



## شما چه گفته اید، درباره ...

### نقش تحولات جامعه کارگری در شناسایی نسل دوم حقوق بشر / محمد مقیمی

**حمید فتاک:** آقای مقیمی نوشته اند، بلوک شرق فروپاشید چون سوسیالیسم ناکارآمد بود. درست نیست که وسط یک مطلب حقوقی، تحلیل سیاسی کرد. فروپاشی بلوک شرق به عوامل پیچیده و زیاد ربط داشت و نمی شود همین طوری به راحتی گفت ناکارآمدی سوسیالیسم. لاقبل با یک درجه تخفیف، بهتر بود که بنویسند کمونیسم.

**نیما رضایی اصل:** مطلب جالبی بود. کم تر مطالب به زبان فارسی در این رابطه داریم. کلاً جنبه حقوق مدنی سیاسی نسبت به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برای حقوقدانان، پژوهشگران و همه در ایران جذاب تر است در حالی که هر دو میثاق یک اندازه مهم اند. حتی فکر می کنم اهمیت حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بیش تر باشد. فکر کنید کسی که کار و یا خانه ای برای زندگی ندارد، تا چه حد آزادی های مدنی برایش مهم هستند؟



**فروغ سمیع نیا:**  
با فشار از پایین، قصد تصویب قانون منع خشونت خانوادگی را داریم

**پرونده ویژه**  
**سورکات یک طبقه**

**ناصر آقا میرزا**  
**سرمایه داری دلالی در ایران**  
**فاجعه آفریننده**

**جعفر عظیم زار:**  
**کارفرمایان با پرداخت نکردن حقوق کارگران از دولت وام می گیرند**

صالح  
مجله حقوقی تخصصی اقتصاد  
شماره ۱۰۰ - شهریور ۱۳۹۵

### فروغ سمیع نیا: با فشار از پایین، قصد تصویب قانون منع خشونت خانوادگی را داریم

**پرستو محقق:** چقدر برایم جالب بود که دیدم در شرایطی که جنبش زنان در ایران فعالیت خاص و منسجمی ندارد، جمعیتی این کمپین را راه انداختند. آن هم نه در تهران. عکس ها و حرف های خانم سمیع نیا هم خودش می گوید که کار تا چه حد حرفه ای است. باید به آن ها از صمیم قلب خسته نباشید گفت.

**امیرحسین محمدزاده:** چقدر کار این کمپین جالب و تسلطشان به مسائل زنان بالاست. فقط من در زمینه آمارگیری، ایراداتی را به این کمپین وارد می دانم که امیدوارم با کمک گرفتن از کسانی که در این رابطه متخصص هستند، رفع و رجوع بشود. در ضمن من فکر می کنم طبقه بندی گزارش هایی که از خود افراد گرفته می شود، با گزارش هایی که نزدیکان آن ها می دهند، باید فرق داشته باشد. به دلیل این که زاویه دید فرق دارد و حتی به طور طبیعی گزارشات نزدیکان بدون ترس است و جزئیات بیش تر دارد.



کارتون ماه

سهام مردم، سهم نهادهای مذهبی - کاری از شاهرخ حیدری





- حکم اعدام مرجان داوری، محقق و مترجم به اتهام افساد فی الارض، توسط دیوان عالی کشور نقض شد.
- سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با اعلام بررسی دوباره ۱۵ هزار پرونده بوی حق حکم اعدام گفت که تعیین حکم جدید بعد از توقف حکم اعدام به تشخیص و رای قاضی بستگی دارد.
- در راستای مجازات های جایگزین حبس، متصرفان غیر قانونی اراضی محیط زیست در شهرستان استهبان به نصب بنر و کاشت بنر در این مناطق محکوم شدند.
- چهار گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل با اشاره به کشته شدن بیش از ۲۰ نفر در جریان اعتراضات در ایران، روش حکومت ایران در برخورد با معترضین را نگران کننده دانستند.
- سخنگوی وزارت کشور گفت از ابتدای آغاز به کار دولت حسن روحانی ۴۳ هزار تجمع یعنی حدود ۳۰ تجمع در هر روز در اقصی نقاط کشور برگزار شده است.
- دختر ۱۰ ساله زیماناس ایرانی، به دلیل عدم رعایت حجاب به کمیته انضباطی فراخوانده شد.
- رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی گفت که آمار فرار دختران افزایش یافته است به طوری که از ابتدای سال جاری بالغ بر ۳ هزار دختر از منزل فرار کرده اند.
- مدیرکل بین الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت که رتبه ایران در شاخص شکاف جنسیتی در میان ۱۴۴ کشور جهان، ۱۴۰ است.
- بر اساس آمارهای منتشر شده در رابطه با نرخ بی سواد در برخی استان های کشور، حدود ۴۵ هزار نفر در قم، ۱۵۹ هزار نفر در خراسان رضوی، ۸۲ هزار نفر در کردستان، ۱۰۲ هزار نفر در اصفهان، ۱۳ هزار نفر در همدان و بیش از ۱۴۱ هزار نفر در استان آذربایجان شرقی بی سواد هستند.
- در خوزستان، غفلت گرد و غبار ملق در هوا به چندین برابر حد مجاز رسید، از جمله در اهواز، گرد و غبار در مقطعی ۶۶ برابر حد مجاز شده است.
- مدیرکل ثبت احوال خراسان شمالی گفت که طی هشت ماه امسال سه ازدواج زیر ۱۰ سال در میان دختران ثبت شده است.
- اولیای چند دانش آموز نوشهری خبر دادند که کودکانشان با خط کش فلزی توسط مدیر مدرسه تنبیه شده اند.
- مدیر مدرسه ای در جیرفت یک دانش آموز پایه هشتم را طوری ضرب و شتم کرد که دماغ و دندان دانش آموز شکسته شد.
- با انتقار مین به جای مانده از جنگ در شمال خوزستان، جوانی ۱۶ ساله از ناحیه صورت و سینه به شدت آسیب دید.
- در خیابان خاکفرج قم، یک موتور سوار به صورت عمد از پشت با یک دختر دوچرخه سوار تصادف و او را مصلوم کرده است.
- یک موتورسوار با لگد زن عمدی به "متین معززی"، قهرمان اسکیت سرعت در حین دوچرخه سواری، او را مصلوم کرد.
- ۱۸ هزار و ۷۷۷ تن در هشت ماه نخست امسال، بر اثر حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده اند.
- یک کولبر اهل مهاباد به نام "شورش عمری" به دلیل سقوط از ارتفاعات در منطقه مرزی سردشت جان باخت.
- یک کولبر بیرانشهری به نام "سلیمان خضری" در ارتفاعات کانی خدای این شهر بر برادر سرمایه دگی جان باخت.
- یک کولبر به نام "قادر آزاده" از اهالی سردشت در پی تیراندازی نیروهای مرزبانی، به شدت مجروح شد.
- "مصطفی خضری" اهل روستایی در حوالی بیرانشهر در پی شلیک نیروهای هنگ مرزی در حین کولبری شدیداً مجروح شد.
- "رامین عصمت"، کولبر ۱۹ ساله اهل نازلو ارومیه، به علت تیراندازی مستقیم ماموران، به شدت زخمی شد.
- کولبری به نام "شفیع محمدزاده"، اهل یکی از روستاهای توابع سردشت بر اثر شلیک نیروهای مرزبانی دچار قطع نخاع شد.
- یک کولبر در نقاط مرزی ارومیه، و همزمان سه کولبر در بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی به شدت زخمی شدند.
- کولبری از اهالی بانه به نام "هادی امینی" در اثر شلیک نیروهای هنگ مرزی جان خود را از دست داد.
- در روستای کوران از توابع منطقه صومای ارومیه، دو کولبر به دست نیروهای مرزبانی کشته شدند و یک تن دیگر هم به شدت زخمی شد.
- شهروندی به نام "رحمت سلیمان زاده"، به دلایل نامعلومی مورد تیراندازی نیروهای انتظامی در مهاباد قرار گرفت و جان باخت.
- در عملیاتی که ماموران پلیس در نقاط مختلف تهران به مرحله اجرا گذاشتند بیش از هزار فرد متهم به داشتن اعتیاد از نوع متجاوهر و همین طور متهمان خرده فروشی مواد مخدر دستگیر شدند.
- چهار زن که اعتراضات اخیر در شهر اصفهان با در دست داشتن تراکت هایی با مضمون "فراندم" در کنار خیابان، اعتراضی مسالمت آمیز را به نمایش گذاشته بودند توسط دستگاه امنیتی دستگیر شدند.
- همزمان با شروع اعتراضات سراسری در کشور، موج جدیدی از بازداشت درویش گنابادی در شهرهای مختلف کشور آغاز شد که منجر به بازداشت دستکم ۱۷ تن از آنان شد.
- به گفته مقامات ایران بیش از ۱۲۰ دانشجو طی اعتراضات سراسری، اکثراً بدون اقدام خاصی صرفاً تحت عنوان "پیشگیری از جرم" توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.
- محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس، تعداد بازداشت شدگان مربوط به اعتراضات سراسری را ۳۷۰۰ تن اعلام کرد.
- "آتنا دلمی" و "فکر ایرانی" دو فعال حقوق بشر محبوس در زندان اوین برای چندمین بار از بابت پرونده جدیدی که علیه آن ها در دوران زندان مفتوح شده، به دادرسی فراخوانده شدند.
- دست کم ۳۰ زندانی سیاسی-امنیتی محبوس در سالن امنیتی ۱۰ در زندان رجایی شهر کرج با خودداری از تحویل گرفتن جیره غذای زندان، دست به اعتراض علیه محرومیت ها و محدودیت های فراقانونی اعمال شده زدند.
- یک راننده سرویس مدرسه به اتهام آزار و اذیت یک کودک دبستانی، به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.
- شکارچی متخلف در کیودرآهنگ، علاوه بر مصادره موتورسیکلت به نفع دولت و حبس، به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد.
- یک متهم توسط دادگاه کیفری یک استان تهران، به خاطر شرب خمر به ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد.
- یک استاد دانشگاه و یک زن بابت اتهام "زنا" علاوه بر تبعید و انفصال از خدمت به ۹۹ ضربه شلاق، محکوم شدند.
- یک زن و مرد دانشجویی که به اتهام داشتن "رابطه دوستی" بازداشت شده بودند، در دادگاه به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شدند.
- دو فرد به اتهام سرقت در تهران، با حکم قضایی علاوه بر ۲۲۰ سال زندان و رد مال، به ۴۲۰ ضربه شلاق هم محکوم شدند.
- حکم ۲۱۴ ضربه شلاق سه متهم در شهرستان دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد، در ملاعام اجرا شد.
- "عبدالقوس امیری" زندانی سیاسی زندان مرکزی زاهدان به علت عدم رسیدگی پزشکی، اقدام به خودکشی کرد.
- "فرشید غزلباش" یکی از زندانیان عادی زندان سراوان، در اعتراض به وضعیت بلا تکلیف خود تاکنون چندبار دست به خودکشی زده است.
- یک زندانی به نام عبدالرحمان نارویی در بیرجند پس از مشروب شدن توسط ماموران زندان به وسیله شوکر برقی، جان خود را از دست داد.
- حکم قطع دست یک فرد به اتهام "سرقت گوسفندان روستاییان در شهرهای مختلف خراسان رضوی و جنوبی" در زندان مرکزی مشهد به اجرا درآمد.
- "امیرحسین پورجعفر"، کودک-مجرمی که سال گذشته، ستایش قریشی، دخترچچه افغانستانی را قتل رسیده بود، اعدام شد.
- یک شهروند چالوسی به نام علی پولادی، در بازداشتگاه پلیس این شهر تنها یک روز پس از بازداشت، جان باخت.
- "وحید اصغری"، که در اعتراضات سراسری در اراک بازداشت شده بود، در زندان جان باخت و مسئولان علت مرگ او را خودکشی اعلام کردند.
- "سینا قنبری"، یکی از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری در بازداشتگاه اوین تهران جان باخت و مسئولان علت مرگ او را خودکشی اعلام کردند.
- "سارو قهرمانی"، شهروند اهل سنج و از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری، در بازداشتگاه اطلاعات این شهر جان باخت.
- در حین اعتراضات سراسری دی ماه در ایران، دست کم بین ۲۲ تا ۲۵ نفر با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف کشور کشته شدند.



# قطع دست سارق گوسفندان و عدالت کیفری در جرایم مالی در ایران



محمد محبی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل

در فضای مجازی به راه افتاد. جمع کثیری از کاربران، آرزوی قطع شدن دست های عوامل اختلاس های نجومی را کردند. البته قطعاً این خشم را می توان درک کرد، اما آرزوی یک مجازات وحشتناک برای مجرمین دیگر، واقعاً خطرناک و نگران کننده است. اگر این مجازات، غیرانسانی است، پرنسیب های اخلاقی و حقوقی، اقتضا می کند که در مورد همه غیرانسانی تلقی شود. شاید تا یک قرن پیش در تمام جهان و تا نیم قرن پیش و شاید چند دهه پیش در اکثر نقاط جهان، مجازات هایی چون اعدام، قطع دست و شلاق امری طبیعی به نظر می رسید و افکار عمومی هم از آن ها پشتیبانی می کرد. اما با معیارهای کنونی حقوق بشری و فلسفه حقوق، قطع عضو، مجازات نیست؛ بلکه شکنجه مجرم و ناقص العضو کردن او است. همان طور که اعدام یک مجازات نیست؛ بلکه یک قتل حکومتی است. پر واضح است که تمام مجرمین اعم از یک سارق ساده تا کسی که هزاران میلیارد اختلاس کرده، باید مجازات شوند، نه این که قطع عضو شوند، به قتل برسند و یا تحت شکنجه قرار بگیرند. پرنسیب داشتن در این فقره، یعنی طرفدار حاکمیت قانون و اجرای مساوی قانون بین همه بودن و صدالبته خواهان وضع قوانین انسانی و مدرن و لغو و نسخ قوانین غیرانسانی و ضد حقوق بشری، و در نهایت مخالفت با هرگونه برخورد سلیقه ای و ایدئولوژیک، و برخورد ناشی از عصبانیت و کینه توزی است. مجازات اختلاس در قوانین ایران -در هیچ وضعیتی- قطع دست نیست؛ امکان صدور حکم حبس چند ساله و در مواردی، اعدام برای جرم اختلاس هست. اما به دلایلی که در ادامه آن را ذکر خواهیم کرد، اختلاس، در حقوق جزای ایران، در زمینه جرم سرقت تعریف نمی شود و مجازات آن هم طبعاً با مجازات سرقت تفاوت دارد. پس چرا برای مجرمینی چون اختلاس گران، خواهان مجازاتی باشیم که حتی قوانین عقب افتاده در جمهوری اسلامی هم برای آن ها وضع نکرده است؟ پرنسیب

ماجرای اجرای قطع دست یک سارق در خراسان در روز چهارشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۶، بار دیگر ناعادلانه بودن قوانین مربوط به مجازات مجرمین مالی در ایران را آشکار ساخت. به گزارش روزنامه خراسان در شماره روز پنجشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۶، «چند سال قبل وقوع سرقت های متعدد در اطراف برخی شهرهای استان های خراسان رضوی و جنوبی، در حالی آغاز شد که فرد یا افراد ناشناسی با تخریب شبانه در و دیوار منازل روستایی، گوسفندان اهالی روستا را به سرقت می بردند. بررسی ماموران انتظامی هم چنین براساس شکایت شاکیان، نشان می داد هر باری که دزد یا دزدان به آغل گوسفندان دستبرد می زدند تعداد زیادی از گوسفندان به سرقت می رود. در نهایت ماموران انتظامی به سرنگ هایی رسیدند که نشان می داد جوان ۲۸ ساله ای، عامل اصلی سرقت های مذکور است؛ بنابراین، وی در یک عملیات هماهنگ و با کسب مجوزهای قضایی در سال ۱۳۹۰ دستگیر شد و مورد بازجویی قرار گرفت. قاضی دادگاه کیفری با توجه به محتویات پرونده و بررسی دقیق همه جوانب سرقت های مذکور، رای به "قطع ید" و هم چنین رد مال داد، اما این رای با اعتراض متهم، در شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی مورد رسیدگی دوباره قرار گرفت، ولی قضات دادگاه تجدیدنظر نیز، رای این پرونده را مطابق با موازین شرعی و قانونی دانستند و حکم صادره را تایید کردند. این حکم ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۶ با نظارت قضات اجرای احکام، در محل زندان مرکزی مشهد به اجرا درآمد و دست سارقی که هم اکنون ۳۴ ساله است زیر "گیوتین" قرار گرفت و قطع شد.»

به دنبال انتشار این خبر، موجی از خشم و اظهارنظرهای مختلف،



عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است. این تعریف متعلق به دورانی است که اموال عمدتاً ملموس و قابل جابه‌جایی بودند. در آن زمان پدیده‌هایی چون بانک، چک، حساب بانکی، اسناد تجاری و غیره ابداع نشده بود و سرقت عبارت از ربایش اموال دیگران بود. در ذهنیت دورانی که قواعد فقهی سرقت وضع شد، اساساً تصور این که بتوان پول چند هزار میلیاردی را با چند کلیک سرقت کرد و به حساب خود ریخت، وجود نداشت. از دید آن‌ها سرقت یعنی به طور مخفیانه، بروی مال دیگری را از حرز (مکانی

که مال عرفاً در آن نگهداری می‌شود) خارج و برای خودت تصاحب کنی. قانونگذار ایرانی هم متأسفانه به اسلوب چند هزار سال پیش وفادار مانده و در قانون، سرقت را ربایش مخفیانه اموال از حرز فرض کرده است و ربودن اموال دولتی از



سرقت از جمله جرایمی است که دارای قبیح ذاتی است و از ابتدای زندگی بشر، امری مذموم و ناپسند تلقی شده است. در قانون نامه حمورابی - به عنوان یکی از نخستین قوانین تاریخ بشریت - مجازات سرقت در ماده

۷ آن اعدام بود. بعدها در مناطقی از خاورمیانه از جمله شامات و شبه جزیره عربستان، مجازات اعدام سارقین به قطع دست تنزل یافت. و بعدها در دین اسلام هم این مجازات، با تغییراتی، مورد پذیرش قرار گرفت.

مجازات قطع دست سارق، از احکام تاسیسی اسلام نیست، بلکه از احکام امضائی آن است. بدین معنی که این حکم، قبل از اسلام، از صدها و یا شاید هزاران سال پیش از اسلام در مناطق مختلف، از جمله شبه جزیره عربستان اجرا می‌شده است و اسلام این حکم را تنفیذ و محدود کرد. تعریف سرقت در حقوق ایران هم، مانند تعریف و تصور مردمان هزاران سال پیش از مقوله سرقت است؛ یک تعریف کاملاً سنتی و مبتنی بر فقه. ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) از این جرم، یک تعریف ساده و سنتی ارائه می‌کند: "سرقت

طریق مکانیسم‌های جدید را سرقت فرض نکرده است. در قانون مجازات ایران، دو نوع مجازات برای جرم سرقت در نظر گرفته شده است:

نوع اول، مجازات‌های حدی است که در کتاب حدود قانون مجازات آمده است.

ماده ۲۷۸ - حد سرقت به شرح زیر است:

الف- "در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد...".

نوع دوم مجازات جرم سرقت، مجازات های تعزیری هستند که در کتاب تعزیرات قانون مجازات (مصوب ۱۳۷۵)، از ماده ۶۵۱ تا ماده ۶۶۷، بر حسب کیفیت وقوع جرم سرقت، مجازات های گوناگون اعم از حبس و شلاق در نظر گرفته شده است.

اما در چه صورتی سرقت، مشمول مجازات حدی (قطع دست و غیره) می شود؟ ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ۱۴ شرط را برای اجرای حد قطع دست سارق در نظر گرفته است که تمام آن ۱۴ شرط باید یکجا محقق شود. یعنی اگر ۱۳ شرط محقق شود و یکی محقق نشود، حد قطع دست اجرا نمی شود و سارق به مجازات های تعزیری محکوم می شود.

ماده ۲۶۸ - "سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:  
الف- شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.  
ب- مال مسروق در حرز باشد.  
پ- سارق هتک حرز کند.  
ت- سارق مال را از حرز خارج کند.  
ث- هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.  
ج- سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.  
چ- ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.  
ح- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.  
خ- سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد.

د- صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند.  
ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.  
ر- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.  
ز- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق درنیاید.  
ژ- مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد."

معنی حرز در بند (ب) این ماده عبارت است از "مکان متناسبی که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند". مثلاً گاو صندوق، در حکم حرز اموالی چون طلا، سکه، اسکناس و غیره است. طویل

قفل شده در حکم حرز اموالی چون گاو، گوسفند، کلاً احشام است. و قس علی هذا. هم چنین ارزش "چهار و نیم نخود طلای مسکوک" (بند چ ماده فوق الذکر) در زمان کنونی حدود ۱۵۰ هزار تومان است. یعنی اگر ارزش مال سرقت شده ۱۵۰ هزار تومان و یا بیش تر باشد و تمام شرایط ۱۴ گانه ماده ۲۶۸ را دارا باشد، حد قطع دست اجرا می شود. هم چنین از آن جا که سرقت اموال دولتی بر طبق بند (ح) ماده ذکر شده، مستوجب حد قطع دست نیست؛ لذا اختلاس اموال دولتی هم که اگر در دایره سرقت هم قرار بگیرد باعث اجرای حد قطع دست نمی شود. حال تصور کنید که یک نفر سارق برود از منزل یک کارمند

دولت، و از درون گاو صندوق او و یا هر جایی که پول را مخفی کرده اند، ۱۵۰ هزار تومان سرقت کند، امکان قطع دست او وجود دارد. اما اگر همان کارمند دولت از اموال دولتی، ۱۵۰ میلیارد تومان اختلاس کند، نهایتاً به چند سال حبس محکوم می شود. قطعاً مجازات قطع دست و معلول کردن دائمی یک انسان، مجازاتی به مراتب سخت تر از شاید چند ده سال حبس باشد. این بی عدالتی، ناشی از نگاه سنتی به جرایم اموال از جمله سرقت است و این قواعد باید مورد بازنگری

تصور کنید که یک نفر سارق برود از منزل یک کارمند دولت، و از درون گاو صندوق او و یا هر جایی که پول را مخفی کرده اند، ۱۵۰ هزار تومان سرقت کند، امکان قطع دست او وجود دارد. اما اگر همان کارمند دولت از اموال دولتی، ۱۵۰ میلیارد تومان اختلاس کند، نهایتاً به چند سال حبس محکوم می شود. قطعاً مجازات قطع دست و معلول کردن دائمی یک انسان، مجازاتی به مراتب سخت تر از شاید چند ده سال حبس باشد. این بی عدالتی، ناشی از نگاه سنتی به جرایم اموال از جمله سرقت است و این قواعد باید مورد بازنگری اساسی قرار بگیرند.

اساسی قرار بگیرند.

شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ نشان می دهد که قانونگذار، تمایلی به اجرای گسترده حد سرقت ندارد و به همین دلیل است که اجرای حد قطع دست سارقین به ندرت انجام می شود. اما همین موارد نادر هم به جد تکان دهنده و وحشتناک است و باید مجدانه خواهان لغو آن شد. در پرونده سارق گوسفندان که متأسفانه به قطع دست منجر شد، امکان جلوگیری از اجرای این حکم وجود داشت. به عنوان مثال می شد از بند (ذ) ماده فوق الذکر بهره برد و از صاحبان اموال مسروقه، تقاضای بخشش کرد

مصادیق "افساد فی الارض" (ماده ۲۸۶) تشخیص دهد، امکان صدور مجازات اعدام هم وجود دارد. اما اگر اختلاس در دایره افساد فی الارض تلقی نشود، مجازات آن براساس ماده ۵ قانون "تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری" (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) تعیین می شود. براساس این ماده، اگر میزان اختلاس کم تر از ۵ هزار تومان باشد، اختلاس کننده، به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و ۶ ماه تا سه سال، انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود. و اگر میزان اختلاس بیش تر از ۵ هزار تومان باشد، اختلاس کننده، به ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال کامل از خدمات دولتی محکوم می شود. هم چنین فرد اختلاسگر، در کنار این مجازات ها، به الزام به

رد مال و هم چنین دو برابر جزای نقدی میزان مال اختلاس شده هم محکوم می گردد.

شاید برای بسیاری تعجب آور باشد که در قوانین کنونی ایران، اختلاس بیش از ۵ هزار تا تک تومانی، ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال کامل از خدمات دولتی و جزای نقدی به

میزان دو برابر مال اختلاس شده، مجازات دارد؛ اما فرضاً ۶ هزار تا تک تومانی کجا و اختلاس های بالای ۵ هزار میلیارد تومانی کجا؟ هرچند که براساس این قانون، فردی که ۵ هزار میلیارد تومان اختلاس کرده است، باید علاوه بر مجازات حبس و انفصال کامل از خدمات دولتی و رد مال اختلاس شده، دو برابر این میزان، یعنی ۱۰ هزار میلیارد تومان هم باید جریمه پرداخت کند. این بخش از قانون بسیار مترقی و مدرن است و جنبه ای کاملاً منصفانه، عادلانه و بازدارنده دارد. لذا جامعه مدنی و کاربران فضای مجازی به جای فانتزی خشونت و آرزوی رفتن دست های مجرمین بزرگ به زیر گیوتین، حامی اجرای واقعی و مساوی این قانون از سویی و لغو قوانینی ضد انسانی چون قطع دست از سوی دیگر شوند.

تا یکی از شروط ۱۴ گانه ساقط شود و حکم قطع دست اجرا نشود و مجرم به مجازات تعزیری محکوم شود.

## مجازات جرم اختلاس در ایران

اختلاس، یک جرم جدید است؛ یعنی با مقتضیات دنیای جدید و روابط تجاری مدرن تعریف شده است و در گذشته، اساساً کسی تصویری از چنین جرمی نداشت. در دانش جرم شناسی، به جرایمی هم چون اختلاس، پولشویی و امثال آن، اصطلاحاً، "جرایم یقه سفیدی" یا "جرایم شرکتی" هم می گویند. تعریف اختلاس در قوانین ایران طوری است که با سرقت تفاوت هایی دارد. اختلاس در واقع نوعی "خیانت در امانت" است. یعنی بین کارگزار و کارمند نهاد دولت با مالی

که اختلاس می کند، "رابطه امانی" وجود دارد و در ذیل موضوع سرقت قرار نمی گیرد. چون فرض قانونگذار کیفری در ایران بر این است که سرقت یعنی ربایش مخفیانه و ملموس مال از محلی که مال در آن نگهداری می شود.

در حالی که در حقوق اکثر کشورهای توسعه یافته، تعریفی از سرقت ارائه شده است که اختلاس را هم در دایره آن جای می دهد. به طور مثال در حقوق انگلستان، سرقت عبارت است از این که "مال دیگری را به مالکیت خود درآوردن". و این به مالکیت درآوردن مال دیگری هم می تواند جنبه ربایشی داشته باشد، و هم جنبه غیر ربایشی. در اختلاس هم یک کارمندی، اموالی را که مال او نیست به مالکیت خود در می آورد و این جا بر طبق قواعد حقوق کیفری کشورهای توسعه یافته، اختلاس هم نوعی سرقت است.

در مورد مجازات جرم اختلاس در قوانین ایران، باید گفت که، اگر میزان و کیفیت اختلاس در حدی باشد که دادگاه آن را از





شعر از رضا اکوانیان

## دنیا مرا کجا می برد

که حرف‌هایم را نمی‌توانم بزنم  
و ترس راه گلویم را خورده است.  
دنیا مرا کجا می برد  
که نمی‌توانم بخوانم  
دنیا یا عزیزکم، دنیا یا عزیزکم.  
چشمانم را می‌بندم و به تو فکر می‌کنم  
چشمانم را می‌بندم و به خیابان می‌روم  
خیابان‌ها در خیال من اند  
خیابان‌ها در من راه می‌روند.  
آن روز هم خیابان‌ها در خیالم راه می‌رفتند  
آن روز را خوب به خاطر دارم:  
دنیا دستم را گرفته بود  
و داشت مرا با خود می‌برد  
دنیا دستم را گرفته بود  
و من کنار تو راه می‌رفتم  
کنارم بودی و  
گلوله‌ای مقابلت؛  
کنارم بودی و  
ناگهان، زمین سرخ شد.  
دیدمت، بر زمین سرد می‌لرزیدی  
و دیدم، بر لبانت، لبخند کاشته بودی  
پیراهنت سرخ  
پیشانی‌ات سرخ  
و خونت  
که خیابان را طی می‌کرد،  
گرم بود.  
مرا نگاه می‌کردی

هیچ نمی‌گفتی اما می‌گفتی؛  
به مادرت فکر می‌کردی  
که منتظر بود به خانه برگردی  
به مادرت، که قرار بود جوانی‌ات را کل بکشد  
به مادرت، که قرار است سیاه بپوشد بر تنش  
به مادرت،  
به مادرت چه می‌توانم از چشم‌هایت بگویم!  
این‌ها را دیدم و گفتم  
اینکه دولت از خیابان‌ها می‌ترسد  
و چشم دیدن کسی را در آن‌ها ندارد  
دلیل تازه‌ای نمی‌خواهد  
این‌ها را دیدم و تو را به یاد می‌آورم  
با خود می‌گویم  
دنیا مرا کجا می‌برد  
دنیا که تو را برده است  
دنیا، کجا، دنیا با که می‌توانم حرف بزنم؟  
دنیا، چرا، دنیا خیابان‌ها چرا تو را پس نمی‌دهند؟  
سرم را میان زنانم می‌گیرم  
با تو حرف می‌زنم  
لرزان، لرزان،  
با تو، که نیستی، گریه می‌شوم؛  
با تو که در نقاط حساس خیابان‌ها راه رفته‌ای  
و دیگر نیاز نیست  
به اجاره‌ی خانه و قرص‌های سر وقت فکر کنی



# حقوق بشر اسلامی و یا بومی سازی حقوق بشر، امری ناممکن



قهرمان قنبری

فعال مدنی

روشنفکر است اما در نهایت قابلیت قانونی و اجرایی آن مورد نظر خواستاران است. در این جا با این مسئله مواجه می شویم که اصولاً شیعیان هم یک طیف همگون نبوده و تعداد کثیری از آن ها قائل به اجرای حدود شرعی نیستند؛ اما اگر حقوق بشر اسلامی بخواهد بر طبق شرع مبین باشد، بدون قطع دست و اعدام و سنگسار، فلسفه وجود خویش را از دست می دهد. در نهایت، عده زیادی از ایرانیان سکولار هستند و یا اصلاً به دین اعتقاد ندارند و تحمیل شریعت اسلام به کسی که اعتقاد قلبی به آن ندارد، هم ظلم و بی عدالتی است و هم باعث رواج ریا و دو رویی می شود. در واقع، اساساً اسلامی سازی حقوق بشر، محصول کنش دین گرایان افراطی است که از دین برای خود دکانی دو نبشه ساخته اند که نظر تعداد قابل توجهی از ایرانیان را لحاظ نمی کند و تبعیض آشکار اقلیت، با توسل به خشونت و قدرت عریان دولتی بر علیه اکثریت بی دفاع مردم است.

اما دلیل این ابداع چیست؟

۱. طبقه روحانیت، دارای منافع مادی و اجتماعی است که در سهم امام، کمک به حوزه، خمس، ذکات و خطبه عقد و طلاق و وقوفات تبلور مادی می یابد. هم چنین سخنان روحانیون با توجه به حوزه نفوذشان، همیشه تاثیرگذار بوده و حتی زمانی که دستشان از حکومت کوتاه بود حاکمان با احتیاط با ایشان برخورد می کردند تا دشمنی آن ها برانگیخته نشود. در حال حاضر، حکومت در انحصار طبقه روحانیت است و آن ها منافع مضاعف مالی از شرایط کنونی می برند و اصولاً هیچ دست اندازی به منافع طبقاتی شان را برنخواهند تافت. در گذشته، وقتی میرزا حسن رشدیه، برای اولین بار در

حقوق بشر اسلامی یا بومی سازی حقوق بشر، مسئله ای مختص به دوران حکومت جمهوری اسلامی ایران نیست. حتی در کشورهای غیراسلامی مانند چین و سنگاپور هم اعلام می کنند که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر فرهنگ و سنت ما استوار نیست و باید به حقوق بشری عمل و اعتقاد داشته باشیم که از سنت، فرهنگ و تاریخ ما برخاسته باشد. نکته مهم در اسلامی سازی حقوق بشر این است که حقوق بشر امری غیردینی است. باید در این مسئله رُک بود که حقوق بشر را به هیچ عنوان نمی توان به اسلام یا هر دینی دیگر ربط داد. مثلاً قطع دست سارقان، شلاق زدن کسانی که مشروب می خورند، اعدام و سنگسار همجنسگرایان و یا افرادی که روابط جنسی آزاد دارند، قتل کسانی که دینشان را از اسلام به دین دیگری تغییر می دهند و ده ها مورد دیگر که با احکام اسلامی منجر به قتل و شکنجه می شود، با اصول جهانی حقوق بشر مغایر است. در این جا فلسفه حقوق بشر عرفی، در این است که مردم از دست نهادهایی که اعدام و شکنجه می کنند، نجات پیدا کنند؛ نه این که با ابداع لغت بومی سازی حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی چاقوی آنان تیزتر شود.

نکته دوم در این است که اصولاً اصطلاح "حقوق بشر اسلامی"، خود مروج تبعیض است و با فلسفه "حقوق بشر"، در تناقض است. چرا که اولاً ایران اقلیت های غیرمسلمانی دارد که حتی قبل از پیدایش اسلام نیز در ایران ساکن بودند و این نامگذاری مبتنی بر ارزش های اسلامی، در قدم اول آن ها را دایره ایران خارج می کند. ثانیاً، اسلام مورد نظر در این جا، اسلام شیعی دوازده امامی است؛ در نتیجه سنی ها، درویش، اهل حق و دیگر فرق غیرشیعه از دایره این شمول خارج می شوند. ثالثاً، درست است که حقوق بشر امری



ایران تصمیم گرفت که برای کودکان عادی به سبک جدید مدرسه تاسیس کند، با این که در دربار قاجار هم افرادی بودند که از وی حمایت می کردند، ولی بارها مردم با تحریک روحانیت، به مدرسه تازه تاسیس و هجوم آوردند و خود و شاگردانش را کتک زدند. آنان حتی مدرسه را به آتش کشیدند و دو مرتبه هم قصد جان میرزا حسن را کردند که منجر به زخمی شدن او شد. آخر سر میرزا حسن رشديه، نه تنها نتوانست مدرسه ای به سبک جدید تاسیس کند، که کل سرمایه و ارث پدر اش را هم از دست داد. در آن زمان آموزش در مکتب ها به روش سنتی در انحصار روحانیت بود.

جهان هم، چنین است. انقلاب فرانسه بیش تر از آن که بر علیه سلطه لویی شانزدهم باشد، بر علیه سلطه و استثمار کلیسا بود. روحانیون از سال ها قبل از انقلاب اسلامی مخالف اعلامیه جهانی حقوق بشر بودند و مدعی هستند که حقوق بشر در کشورهای اسلامی باید مبتنی بر دین مبین اسلام باشد. علامه جعفری سال ها پیش کتابی نزدیک به این مضمون نگاشته بود. با این همه، نکته جالب این موضوع این است که روحانیت با آن که صددرصد مخالف مدرسه - خصوصاً برای دختران - و یا اصلاحات ارضی و حق رای برای زنان بود، ولی در نهایت در برابر موج

سهمگین عرفی گرای  
مجبور به عقب نشینی  
شده است و امروزه شاید  
کم تر کسی از روحانیت  
پیدا شود که اعمال هم  
طبقه ای خود در یک صد  
سال قبل در مخالفت با  
امور عرفی پیش گفته را  
تصدیق کند.



مکاتب به فراخور بزرگی، هم برای روحانیت سود مادی داشت و هم این که اعتبار اجتماعی این طبقه را در بین مردم افزایش می داد؛ در نتیجه روحانیت به مقابله با هرگونه تغییر در سیستم آموزشی بر می خواست. یا در زمان

۲. به دلیل این که ایران کشوری با اکثریت مسلمان است، اکثراً با این طرز تفکر مواجه می شویم که برای این که امر مدرن در مقابل سنت را راحت تر به سرانجام برسانیم، لازم است از یک پیشوند و یا پسوند اسلامی استفاده کنیم تا امر جدید با حساسیت و خشم طبقه روحانیت و یا مردم دیندار مواجه نشود. مثلاً در حال حاضر با پدیده ای به نام "فمینیسم اسلامی" روبه رو هستیم و یا آزادیخواهان در برهه ای از زمان، امام سوم شیعیان، امام حسین را الگو آزادیخواهی خویش قرار می دادند. این ایده ها به خاطر این به وجود آمده اند که دین اسلام در این بیش از هزار سال حاکمیت خویش نخواسته و نتوانسته است که این امور را پیاده کند. در واقع، این احساس نیاز مردم است که خواسته خویش را در درون سنت نیافته اند و حالا می خواهند آن را

اصلاحات ارضی، یکی از دلایل دشمنی روحانیون با حکومت پهلوی، تقسیم زمین بین رعایا و برانداختن سیستم ارباب و رعیتی بود. ریشه مخالفت روحانیت با اصلاحات ارضی در این بود که روحانیت ارشد و مراجع تقلید خودشان از زمین داران و مالکان بزرگ ایران بودند و سایر روحانیون هم می دانستند که از زارع و مالک قطعات کوچک زمین نمی توانند هر سال سرخرمن، سهم امام و خمس بگیرند و فقط مالک و خان صاحب قطعات بزرگ زمین بود که می توانست نیازهای مادی آن ها را برطرف کند. مقصود از یادآوری گذری این موارد این است که طبقه روحانیت همیشه در ایران مخالف امر مدرن بوده است و از این به بعد هم خواهد بود. چون که در حالت کلی، مدرنیته از قدرت اجتماعی و تاثیرگذار روحانیت می کاهد و منافع مالی آن ها را محدود می کند. در همه



کشورها تحمیل شده است. بحث‌ها و انتقاداتی که هم چنان و تا امروز هم ادامه دارد.

۴. بعضاً در خود غرب مخلوط از تسامح‌گرایی و مکتب‌نسبی‌گرایی (Moral Relativism) به این توهّم دامن زد که اصول اخلاقی و رفتارها را باید با توجه فرهنگ، دین و سنت کشور و یا قومی که در آن انجام می‌شود، قضاوت کرد و نمی‌توان برای همه کشورها، قومیت‌ها و مذاهب، نسخه واحدی پیچید. در حالی که مثلاً منشور حقوق بشر در پی نسخه پیچیدن نیست، بلکه در پی جدال بر این است که حداقل‌ها لازم برای زیست انسانی بشر را تضمین کند. وانگهی، امروزه بسیاری انتقاد می‌کنند حتی با توسل به نسبی‌گرایی می‌توان هلوکاست را هم توجیه کرد؛ هر چه باشد، یهودی‌ستیزی هم جزئی از فرهنگ و سنت و مذهب مرتکبان جنایات هلوکاست بود. یعنی شاید شلاق زدن، قطع عضو بدن، اعدام و سنگسار هم در پروسه‌ای امری عادی تلقی شود و بتوان آن را با توسل به دین و سنت توجیه کرد. اما واقعیت این است که همه عادات و رفتارهای ما نه قابل احترام هستند و نه قابل توجیه. وجه تمایز ما به عنوان بشر این است که از گذشته خود درس گرفته، عادات زشت را ترک گفته و با فرا گرفتن عادات خوب پیشرفت کنیم. شاید توجیه جنایات از انجام خود جنایت هولناک‌تر باشد و دقیقاً منشور جهانی حقوق بشر به دنبال برانداختن این گونه توجیهات جنایت است و به جز محکومیت آن هدف دیگر در سر ندارد.

۵. در کشورهایی که از دیکتاتوری و عدم وجود آزادی بیان رنج می‌برند، همیشه برای توجیه دیکتاتوری و استبداد موجود، هر اندیشه‌ای، توطئه‌ای خارجی برای برافکندن سلطنت تلقی می‌شود. این مدل کشورها اکثراً مردمان خود را با سانسور شدید در جهان ایزوله می‌کنند. قابل درک است که حاکمان دیکتاتوری چنین کشورهایی، هر چیز را که ارزش جهانی داشته باشد، خطری برای تداوم حاکمیت استبداد خویش تلقی می‌کنند و مطمئناً این نوع حکومت‌ها اصول حقوق بشر را

در ارزش‌های عرفی بیابند. اصولاً جعل و ابداع عنوان حقوق بشر اسلامی به معنی وحشت سنت از امر جدید است. تغییر همیشه سخت و اضطراب‌آور است. سنت هر چند ممکن است همراه با بی‌عدالتی و سلب آزادی باشد اما در گذر زمان برای خود مشروعیت و تقدس کسب می‌کند و مردمان به زنجیر و ظلم و ستم آن عادت می‌کنند و به همین خاطر طیفی از روشنفکران گمان می‌کنند باید برای امر جدید از سنت و تاریخ باستان ریشه‌بتراشند؛ اما در نهایت منجر به سرایی می‌شود که نه این است و نه آن است.

۳. در ایران و اکثر کشورهای منطقه، نوعی دشمنی عمیق با غرب و دستاوردهای آن وجود دارد که فقط هم منحصر به طبقه روحانیت نیست. این نوع کینه عمیق از غرب، همراه با دوز بالای از تئوری توهّم توطئه، طیف‌های ناهمگون سیاسی را - که نه تنها هیچ گونه قرابت فکری با هم ندارند، بلکه اغلب مقابل هم قرار دارند- با یکدیگر متحد می‌کند. این طیف‌ها در اکثر موارد از مغالطه جزء به کل استفاده می‌کنند و "حقوق بشر" را با توسل به این که امری غربی و توطئه غرب برای سلطه بر کشور است، قلمداد و نفی می‌کنند. در مغالطه جزء به کل، مثلاً ممکن است رئیس‌جمهور آمریکا چیزی مربوط یا نامربوط در مورد حقوق بشر بگوید و ما سخن او را که جزء است، به کل غرب و اندیشه حقوق بشر که اصولاً امری روشنفکر است و ربط به دولت خاصی هم ندارد، تعمیم بدهیم و نتیجه بگیریم که اگر در فلان مورد در غرب حقوق بشر رعایت نمی‌شود پس کل اندیشه حقوق بشر توطئه غربی‌ها برای سلطه بر کشور ما است، در حالی که خودشان به آن اعتقاد ندارند. همان‌طور که اشاره شد، اصولاً مقوله حقوق بشر زاییده یک دولت غربی نیست؛ بیش‌تر مبحثی روشنفکر و در نتیجه بحث‌ها (discussion) و احساس نیاز مردم به وجود آمده و صرفاً به دولت این

داشتند، دست کمی از روحانیون مسلمان نداشتند و اصولاً مسئله عرفی سازی حقوق بشر برای مقابله با سلطه و بی عدالتی هایی روحانیت مسیحی بود. ولی نکته مهم تر این است که قضیه حقوق بشر به دنبال انتقام از طبقه روحانیت و دین هم نیست و فقط به دنبال شفاف سازی و جهانی سازی اصول حقوق بشر است. اصولاً یک فرد دیندار، در جامعه ای که به این عرفی سازی ندای مثبت داده است، عملاً آزادی عمل بیش تری نسبت به اصول دین خود دارد تا در کشوری که با اصول دین اداره می شود؛ چرا که این اصول دین هر آن ممکن است بسته به منافع حاکمان تغییر کند. در واقع، درست است حقوق بشر امری صددرصد غیردینی و سکولار است، اما ضد دین و یا ضد هرگونه مکتب دیگری نیست و فقط محافظ رعایت جان، شرافت و حیثیت انسانی است که این اصول را از دین خاصی استخراج نکرده است.

ابداع و اختراع می کنند که تداوم حاکمیت آن ها را تضمین کند. یعنی حقوق بشر که در آن کُشتن، اعدام و شکنجه و حبس غیرقانونی زندانیان به جرم اندیشه امری عادی و حتی پسندیده است. این نوع حقوق بشر حتی مترسکی خنده دار از اصول جهانی حقوق بشر هم نیست؛ در جمهوری اسلامی ایران، در راس این نوع "حقوق بشر" ابداعی محمذجواد لاریجانی است.

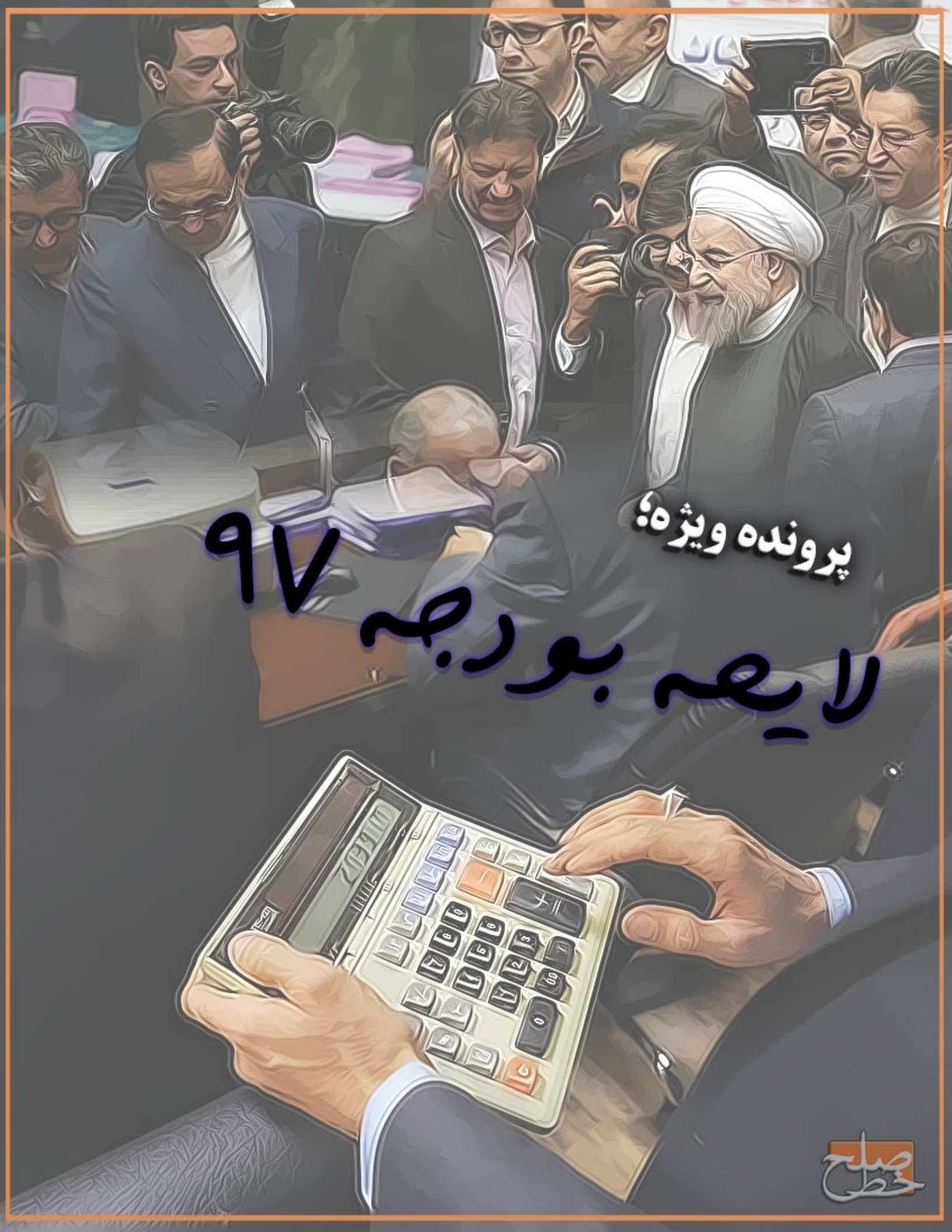
در آخر مجدداً باید تاکید کرد که، درست است حقوق بشر خاستگاه غربی دارد و گاهی مخالفان می گویند که این حقوق بشر بیش تر پیش زمینه مسیحی و یهودی دارد و مناسب کشورهای اسلامی نیست. اما این ادعا که سعی می کند با تهییج احساسات مسلمانان آنان را به دشمنی با اصول جهانی حقوق بشر برانگیزاند، کذب محض است. وانگهی روحانیون مسیحی هم وقتی قدرت لازم را

### عکس ماه

در پی کم آبی در زمستان اخیر، عده ای از مردم از جمله تعدادی از کشاورزان و دامداران در شهرهای بیرجند و زابل، نماز "طلب باران" خواندند - عکس از ایرنا







پرونده ویژه؛  
رایحه بورج ۹۷



# پاشنه رفاه بر همان در می چرخد

## بررسی اجمالی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷



خسرو صادقی بروجنی

پژوهشگر اجتماعی

بودجه به عنوان سندی که راه و مسیر سیاست های کلان دولت را نشان می دهد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیر خوارها عدد و رقم آن چه مشخص است مشکلاتی است که دولت با آن دست و پنجه نرم می کند و جز پرداختن به تغییرات قیمتی و احاله کارها به بخش خصوصی مورد اعتماد خود، طرح و برنامه دیگری برای سامان بخشیدن به اوضاع ندارد. این، نه فقط یک اظهار نظر شخصی، بلکه توافق نظر اکثر اقتصاددانان و کارشناسان خبره ای است که طی سال ها از سر دلسوزی، پیشنهادهای مشفقانه به دولت ارائه داده و در این مدت بیشترین نقدها را به لایحه سال ۹۷ داشته اند.

\*\*\*

بودجه هر کشور بیلان مالی از دخل و خرج در طی یک سال است. اما سند بودجه در عین حال علامت دهی می کند و نشان می دهد که سیاست های کلی اقتصادی آن کشور به کدام سمت و سو است. این که بودجه عمرانی آن کشور قرار است چه تغییراتی داشته باشد و چه میزان در توسعه زیرساخت های کشور هزینه شود؟ این که آیا قرار است درآمد کشور بر اساس منابع زیرزمینی و طبیعی تنظیم شود یا وابستگی به این منابع کم شود؟ چقدر قرار است از مردم و اصناف مالیات گرفته شود و چه اقشاری قرار است مالیات بیش تری بپردازند؟ دولت به چه بخش هایی یارانه بیش تری می دهد و یارانه چه بخش هایی را کم یا حذف می کند؟ بخش خصوصی قرار است فعالیت هایش را گسترش می دهد یا دولت نظارت خود را بر فعالیت این بخش گسترش می دهد؟ ... ده ها سوال دیگر که پاسخ به هر یک از آن ها در سند

بودجه مستتر است و با بررسی حجم انبوهی از اعداد و مقایسه آن ها با مبالغ سال گذشته به دست می آید.

بر اساس لایحه بودجه دولت که برای سال ۱۳۹۷ تنظیم و به مجلس ارائه شده تا در مورد آن بحث کنند، رقم بودجه آتی ۱۱۹۵ هزار میلیارد تومان است. بودجه به دو بخش بودجه عمومی و بودجه شرکت ها تقسیم می شود. از این رقم، ۴۲۵ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی و بقیه معادل ۸۱۴ هزار میلیارد تومان، بودجه شرکت ها و بانک های دولتی است. لایحه بودجه سال ۹۷ بر اساس قیمت نفت بشکه ای ۵۵ دلار و نرخ برابری دلار به تومان ۳۸۶۰ تومان تنظیم شده است. با فرض فروش روزانه نفت معادل ۲ میلیون و ۶۰۰ بشکه؛ درآمد نفتی ۲۰۳ هزار میلیارد تومان در سال خواهد بود.

در این لایحه با نظر دولت، بودجه عمرانی کشور ۱۵ درصد کاهش و بودجه جاری کشور نیز ۹ درصد افزایش یافته و درآمدهای مالیاتی نسبت به سال جاری ۱۲/۳ درصد افزایش و درآمدهای نفتی ۱۱/۳ کاهش یافته است.

اما کاهش بودجه عمرانی دولت چگونه قرار است جبران شود؟ یکی از تصمیم های مهم دولت در لایحه بودجه سال ۹۷، واگذاری طرح های عمرانی و مشارکت عمومی - خصوصی است. بنا به تخمین کارشناسان، بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان طرح های عمرانی نیمه تمام وجود دارد و بخش خصوصی با استفاده از منابع صندوق ها، بانک ها و مشوق هایی مانند معافیت های مالیاتی یا تضمین خرید محصول می تواند به اتمام این طرح ها اقدام کند. البته عنوان "مشارکت عمومی" در سند بودجه تعارفی بیش نیست و قرار است پروژه های عمرانی نیمه تمام به بخش خصوصی سپرده شود اما این که بخش خصوصی در ایران چه کسانی هستند، خصوصی هستند یا اختصاصی، از چه رانت های دولتی و حکومتی استفاده می کنند، چقدر هزینه تمام شده را افزایش می دهند و چه آثاری بر کل

اقتصاد ایران می‌گذارند خود بحث جداگانه ای است که در این یادداشت نمی‌گنجد. دولت هم چنین در لایحه بودجه، دولت پیشنهاد کرده است

مشمول دریافت یارانه نقدی هستند از جمله تصمیم های مهم بودجه سال آینده است. به خاطر بیاوریم که ابتدای مطرح شدن بحث هدفمندی یارانه ها و پرداخت یارانه نقدی به مردم در دولت



عکس از مهر

احمدی نژاد، برخی از کارشناسان "حذف گام به گام یارانه" را پیش بینی کردند، و امروز دولت "تدبیر و اقدام" سیاستگذاری خود را دقیقاً بر محقق کردن چنین تصمیمی تنظیم

سازمان هدفمندی یارانه ها ضمن تغییر نام به "صندوق رفاه اجتماعی" تغییر نام دهد و اصلاح اساسنامه از جهت موضوع، ساختار و دیگر ابعاد به منظور انجام

ماموریت جدید تحت نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کرده است.

قرار خواهد گرفته و اموال و دارایی های سازمان مزبور به نان گران، هوا آلوده

صندوق رفاه اجتماعی تعلق بگیرد.

از جمله تغییرات عمده بودجه سال آینده که نگرانی زیادی را برای اقبال و طبقات پایین جامعه ایجاد می کند بحث یارانه نان است. دولت در سال های گذشته در لویح بودجه دو ردیف جداگانه "یارانه نقدی نان" و "یارانه نان" را برای نان در نظر می گرفت که در لایحه بودجه سال ۹۶ این دو رقم به ترتیب عبارت بودند از ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان و ۸ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان. در مجموع دولت در لایحه بودجه سال ۹۶ رقم ۱۰ هزار و ۵۰۰

به دولت اجازه داده شده در سال ۱۳۹۷ از محل منابع سازمان هدفمندی یارانه ها مبلغ ۳۷ هزار میلیارد تومان هزینه کند. از این مقدار، ۲۳ هزار میلیارد تومان به پرداخت یارانه نقدی و غیر نقدی خانوارها اختصاص دارد. این در حالی است که دولت در هفت سال گذشته سالانه حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان بابت یارانه های نقدی پرداخت می کرد و کاهش ۱۹ هزار میلیارد تومانی یارانه نقدی حاکمی از حذف ۳۴ میلیون یارانه بگیر است و در نتیجه کاهش بودجه بودجه آن است.

هم چنین به دولت اجازه داده شده در سال ۱۳۹۷ از محل منابع سازمان هدفمندی یارانه ها مبلغ ۳۷ هزار میلیارد تومان هزینه کند. از این مقدار، ۲۳ هزار میلیارد تومان به پرداخت یارانه نقدی و غیر نقدی خانوارها اختصاص دارد. این در حالی است که دولت در هفت سال گذشته سالانه حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان بابت یارانه های نقدی پرداخت می کرد و کاهش ۱۹ هزار میلیارد تومانی یارانه نقدی حاکمی از حذف ۳۴

میلیاردی را برای یارانه نان پیشنهاد کرده بود. این در حالی است که در لایحه بودجه سال ۹۷، دو ردیف "یارانه نان" و "یارانه

میلیون یارانه بگیر است و در نتیجه کاهش بودجه بودجه آن است. بنابراین کاهش ۳۳ میلیون میلیون نفر از افرادی که

نقدی نان" از جداول بودجه حذف شده و در تبصره ۱۴ بودجه، از محل منابع سازمان هدفمندی یارانه ها مبلغ ۳۳۰۰ میلیارد تومان به عنوان "یارانه نان و خرید تضمینی گندم" در نظر گرفته که بر اساس ردیف های بودجه، ۱۷۰۰ میلیارد تومان آن باید برای یارانه خرید تضمینی گندم هزینه شود. بنابراین با حذف این دو ردیف بودجه و اختصاص رقمی پایین تر به یارانه نان، پیش بینی می شود سال آینده قیمت نان افزایش قابل توجهی داشته باشند.

از سوی دیگر یکی از مهم ترین مشکلاتی که طی سال های اخیر بر رفاه مردم و سلامتی مردم تاثیر چشمگیری گذاشت و آن ها را تهدید کرد، آلودگی هوا در تهران و کلان شهرها بود. به ویژه کودکان و دانش آموزان مدارس از جمله کسانی هستند که بیش تر

آسیب را این معضل اجتماعی می بینند. طبیعی است که اقدامات دولت در زمینه توسعه حمل و نقل عمومی و پرداخت یارانه به آن و هم چنین پرداخت یارانه برای توزیع شیر در مدارس، می تواند هم به کاهش آلودگی کمک کند و هم آسیب های آن را در میان کودکان کاهش دهد. یارانه ای که دولت برای شیر مدارس و حمل و نقل عمومی می پردازد، از جمله ردیف های بودجه ای هستند که می توانند شاخص هزینه دولت در زمینه رفاه اجتماعی و کمک به سلامت

کودکان و رفاه شهروندان تلقی شود. اما یارانه شیر مدارس به میزان ۲۰۰ میلیارد تومان و یارانه بلیط حمل و نقل همگانی، یارانه بلیط مترو تهران و قطار شهری سایر شهرها به میزان ۲۴۵ میلیارد تومان از جمله ردیف های بودجه ای هستند که در لایحه بودجه سال آینده نسبت به سال جاری هیچ تغییری نکرده اند.

نعل وارونه در اشتغال

معضل بیکاری و به ویژه بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی از جمله مواردی است که اقتصاد ایران را فلج کرده است. تدوین طرح هایی مانند کارورزی را می توان از جمله تلاش های دولت برای رفع این معضل ارزیابی کرد. طرحی که پیش بینی می شود نه تنها مشکلی را حل نکند بلکه زمینه بهره کشی بیش تر از نیروی کار و آزاد گذاشت دست کارفرمایان برای کاهش مزد و دور زدن قانون را فراهم کند.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ "با هدف اجرای برنامه اشتغال گسترده و مولد با تاکید بر اشتغال جوانان، دانش آموختگان دانشگاهی، زنان و اشتغال حمایتی"، به دولت اجازه داده شده صد درصد منابع حاصل از مابه التفاوت قیمت حامل های انرژی

در سال ۱۳۹۷ نسبت به قیمت این حامل ها در ابتدای سال ۱۳۹۶ را به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور واریز و منابع حاصله را تا سقف ۱۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به شکل وجوه اداره شده و یارانه سود و ترکیب با منابع صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی در جهت حمایت از طرح های تولید، اشتغال و آموزش و کمک به کارورزی جوانان دانش آموخته دانشگاهی پرداخت نماید. بنابراین دست دولت در لایحه باز گذاشته شده که حامل های انرژی را گران کند و مبلغ مزایای را که از این گران کند و مبلغ مازادی را که از این راه به دست می آورد خرج اشتغال

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ "با هدف اجرای برنامه اشتغال گسترده و مولد با تاکید بر اشتغال جوانان، دانش آموختگان دانشگاهی، زنان و اشتغال حمایتی"، به دولت اجازه داده شده صد درصد منابع حاصل از مابه التفاوت قیمت حامل های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به قیمت این حامل ها در ابتدای سال ۱۳۹۶ را به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور واریز و منابع حاصله را تا سقف ۱۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به شکل وجوه اداره شده و یارانه سود و ترکیب با منابع صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی در جهت حمایت از طرح های تولید، اشتغال و آموزش و کمک به کارورزی جوانان دانش آموخته دانشگاهی پرداخت نماید. بنابراین دست دولت در لایحه باز گذاشته شده که حامل های انرژی را گران کند و مبلغ مازادی را که از این راه به دست می آورد خرج اشتغال زایی کند.

زایی کند.

طبق گزارش هایی که دو معاونت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت و مجلس ارائه دادند، افزایش قیمت حامل های انرژی، رشد اقتصادی را یک درصد کاهش می دهد. این کاهش رشد اقتصادی، به بیکار شدن ۲۴۰ تا ۳۶۰ هزار نفر، افزایش ۲/۸ درصدی نرخ تورم واقعی، افزایش ۸ درصدی نرخ تورم انتزاعی و



گر بدهکار است، در حالی که براساس بند "ز" تبصره ۷ لایحه بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۷، سازمان تامین اجتماعی مکلف است

تمامی سهم درمان از مجموع درآمد حاصل از کسر بیمه از بیمه شدگان بر اساس مفاد قانون تامین اجتماعی را در حسابی نزد خزانه داری کل کشور با عنوان بیمه درمان سازمان تامین اجتماعی واریز کند تا سازمان تامین



لایحه بودجه مطرح کرده است. این اقدام دولت اگر مورد تصویب مجلس قرار بگیرد به نوعی مصداق کامل نعل وارونه زدن است چرا که

اجتماعی بدین طریق تحت نظارت و کنترل دولت ملزم شود تا این منابع را مطابق قانون تامین اجتماعی هزینه کند. این بدعت جدید، نه تنها خلاف قانون تامین اجتماعی است بلکه استقلال این نهاد

عمومی، غیردولتی را زیر سوال می برد و منابع آن را تحت نظارت و کنترل دولت، یعنی بزرگ ترین بدهکار این سازمان قرار می دهد. گفتنی است سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوق های بیمه ای ایران به مرحله ای از بحران رسیده است که به گفته خود مسئولان دولتی این بحران یکی از "ابرقالش" های کشور است و ممکن است "امنیت ملی" را تهدید کند. بنابراین جدای از لفاظی های این مقام و آن مسئول و ارائه اعداد و ارقامی مبنی بر افزایش بودجه رفاهی، قرار نیست در سال

آینده شاهد اتفاقی خوشایند خاصی باشیم و پاشنه بودجه رفاهی کشور، سیاست های کلی اقتصادی و راهی که برای کشور ترسیم شده است، به همان در سابق می چرخد.

افزایش ۷ درصدی خط فقر منجر می شود. اما دولت با علم به چنین گزارشی، پیشنهاد گران کردن حامل های انرژی را در

طی سال های اخیر یکی از دلایل و بهانه های اصلی کارفرمایان و واحدهای تولیدی برای اخراج کارگران، گران شدن انرژی و بالا رفتن هزینه های تولیدی آن ها بوده است و

با این اقدام دولت طبیعی است که این بهانه تشدید شده و زمینه اخراج دسته جمعی بیش تر کارگران فراهم می شود. ضمن این که دولت هیچ گونه تصمیمی نمی تواند ارائه کند که این اتفاق نیفتد، جدا از ارائه شعار و لفاظی های مرسوم، برنامه مشخص، کاربردی و عملیاتی نیز برای اشتغال زایی ارائه نداده است. کوزه گری که از کوزه شکسته آب می خورد

از دیگر نکات لایحه بودجه سال آینده می توان به بی توجهی دولت به حجم انبوهی از مطالبات عقب مانده سازمان تامین اجتماعی اشاره کرد. دولت هم اکنون بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان به این سازمان بیمه

طی سال های اخیر یکی از دلایل و بهانه های اصلی کارفرمایان و واحدهای تولیدی برای اخراج کارگران، گران شدن انرژی و بالا رفتن هزینه های تولیدی آن ها بوده است و با این اقدام دولت طبیعی است که این بهانه تشدید شده و زمینه اخراج دسته جمعی بیش تر کارگران فراهم می شود. ضمن این که دولت هیچ گونه تصمیمی نمی تواند ارائه کند که این اتفاق نیفتد، جدا از ارائه شعار و لفاظی های مرسوم، برنامه مشخص، کاربردی و عملیاتی نیز برای اشتغال زایی ارائه نداده است.

# علی دینی ترکمانی: بودجه ۹۷، تلاشی برای کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی ندارد



گفتگو از سیمین روزگرد

که سهم دستگاه های مختلف چقدر است. در عین حال، مشخص شد که دست کم ۳۰ درصد از بودجه کشور متعلق به ردیف های متفرقه است.

**صلح خط** جناب دکتر دینی، نقطه قوت این لایحه به نظر شما در کجاست؟

بودجه در چارچوب اصل "وابستگی به مسیر گذشته"، خود را بازتولید می کند. کسری ها و نحوه تخصیص ها هم چنان به روال گذشته است. در طرف درآمدها و در طرف هزینه ها اتفاق خاصی نیفتاده است. تنها اتفاق این بودجه، علنی شدن سهم دستگاه ها و نهادهای مختلف بود.

**صلح خط** بزرگ ترین نقاط ضعفی که می توان نقد کرد چیست؟

در طرف درآمدها، اتکا هم چنان به درآمدهای نفتی و مالیات های مستقیم است. البته در مالیات های مستقیم، مالیات بر ثروت سهم ناچیزی دارد. در طرف هزینه ها، آن چه من "تو در تویی نهادی" نامیده ام، موجب خیلی بیش از اندازه بودن دستگاه ها و نهادهای بودجه خوار شده است. در نتیجه، هزینه ها، در اصل، به این علت بیش از اندازه است. به همین دلیل، رفته رفته، سهم هزینه های مصرفی افزایش، و سهم هزینه های عمرانی کاهش یافته است.

**صلح خط** اقتصاد مقاومتی مورد تاکید مسئولان کشوری به زبان ساده چیست و آیا نشانه هایی از آن در لایحه

پیش رو می توانید ببینید؟

اصطلاح "اقتصاد مقاومتی" به دنبال اعمال تحریم ها در سال ۱۳۹۰ در فضای کارشناسی و سیاستگذاری کشور مطرح شد. در زمان جنگ های جهانی، چنین اصطلاحی در کشورهای درگیر جنگ وجود داشته و طبیعی است که باید هم باشد. در

دکتر علی دینی ترکمانی، فارغ التحصیل رشته توسعه اقتصادی از دانشگاه تهران، در حال حاضر استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی است. در طول دو دهه گذشته، افزون بر ده جلد کتاب و صد مقاله با تالیف و یا ترجمه دکتر دینی ترکمانی منتشر شده است.

این اقتصاددان برجسته نهادگرا در گفتگوی کوتاهی با خط صلح در خصوص لایحه بودجه ۹۷ ضمن اشاره به این که "دست کم ۳۰ درصد از بودجه کشور متعلق به ردیف های متفرقه است"، می گوید: "در بودجه، تلاشی برای کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی دیده نمی شود. واقعیت امر این است که سازوکار درونی اقتصاد سیاسی ایران، در چارچوب اصل وابستگی به مسیر گذشته، خود را بازتولید می کند. بنابراین، بدون تغییرات اساسی در این سازوکار، امکان تغییرات جدی در ساخت بودجه وجود ندارد."

علی دینی ترکمانی هم چنین در رابطه با چرایی تخصیص بودجه های کلان به نهادهای مذهبی-تبلیغی اذعان می دارد: "چنین نهادهایی جزئی از ساخت قدرت رسمی شکل گرفته، هستند. دارای قدرت اند و بنابراین اجازه کاهش سهم خود را نمی دهند."

**صلح خط** چقدر لایحه بودجه ۹۷ را که از سوی دولت به مجلس ارائه شده، نسبت به لوایح مشابه پیشین شفاف تر می

دانید؟

بودجه ۹۷ از نظر تخصیص به دستگاه ها و نهادهای مختلف روشن تر عمل کرد. با درز اطلاعات مربوط به تخصیص ها مشخص شد

زمان جنگی و یا تحریمی شبه جنگ، شرایط اقتصادی متفاوت می شود و طبعاً سیاست های اقتصادی باید متناسب با این

های ذی نفع مواجه می شود.

## صحت

یکی از انتقادات به دولت، تخصیص بودجه های کلان

به نهاد های مذهبی- تبلیغی بود، به نظر شما چرا آقای روحانی نمی توانست از این بودجه ها بکاهد و در عوض در بخش هایی که



شرایط با شد. چه بیره بندی غذا یکی از این سیاست ها است. چه بیره بندی ارز یکی دیگر است. محدودیتی هم بین

طور. اما در بودجه، تلاشی برای کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی دیده نمی شود. واقعیت امر این است که سازوکار درونی اقتصاد سیاسی ایران، در چارچوب اصل "وابستگی به مسیر گذشته"، خود را بازتولید می کند. بنابراین، بدون تغییرات اساسی در این سازوکار، امکان تغییرات جدی در ساخت بودجه وجود ندارد. یکی از این تغییرات، تصحیح ساخت نظام مالیاتی است که با فشار صاحبان ثروت مواجه می شود. دیگری، کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی است که با فشار گروه های ذی نفع مواجه می شود.

در بودجه، تلاشی برای کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی دیده نمی شود. واقعیت امر این است که سازوکار درونی اقتصاد سیاسی ایران، در چارچوب اصل "وابستگی به مسیر گذشته"، خود را بازتولید می کند. بنابراین، بدون تغییرات اساسی در این سازوکار، امکان تغییرات جدی در ساخت بودجه وجود ندارد. یکی از این تغییرات، تصحیح ساخت نظام مالیاتی است که با فشار صاحبان ثروت مواجه می شود. دیگری، کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی است که با فشار گروه های ذی نفع مواجه می شود.

انتظار می رفت مانند حوزه رفاهی یا عمران سرمایه گذاری بیش تری کند؟ چنین نهادهایی جزئی از ساخت قدرت رسمی شکل گرفته، هستند. دارای قدرت اند و بنابراین اجازه کاهش سهم خود را نمی دهند. عرصه اقتصاد، عرصه چانه زنی نیروها و گروه های اجتماعی مختلف بر سر سهم بری از بودجه و ثروت تولید شده است. طبیعی است هر نیروی اجتماعی که دست بالاتری داشته باشد، سهم بیش تری خواهد داشت.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

## صحت

کاهش هزینه های بدون بازده اجتماعی است که با فشار گروه



# بودجه انقباضی تر آموزش عمومی در سال ۹۷



محمد حبیبی

فعال صنفی معلمان

از طرف دیگر، هم چون پنج سال گذشته، بیش از ۹۵ درصد این بودجه صرف پرداخت دستمزد کارکنان آموزش و پرورش خواهد شد. در نتیجه سهم بودجه ۹۷ برای بخش های آموزشی و عمرانی به کم تر از پنج درصد می رسد.

با این اوصاف، پیش بینی کسری بودجه آموزش و پرورش برای سال آینده، دور از انتظار نیست و باید هم چنان شاهد کاهش سرانه مدارس و به تبع آن تداوم افت آموزشی در مدارس باشیم.

## ۲- کاهش بودجه عمرانی و سازمان نوسازی مدارس

بنابر نظر نمایندگان مجلس، نزدیک به ۳۵ درصد مدارس کشور جز بافت فرسوده است. با توجه به افزایش حوادث طبیعی هم چون زلزله در کشور، عملاً این مدارس به مکان هایی پرخطر برای دانش آموزان تبدیل شده است. با این حال دولت در لایحه بودجه ۹۷، سهم سازمان نوسازی مدارس را کاهش داده است. کاهش که بنابر نظر رئیس سازمان نوسازی مدارس، در حدود ۳۵ درصد است. این در حالی است که در

برنامه ششم توسعه که به وسیله دولت روحانی تدوین شده است، برای مقاوم سازی و نوسازی مدارس، اعتباری در حدود سه میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی پیش بینی شده است که دولت از پیش بینی سهم سالانه آن در بودجه ۹۷ سرباز زده است.

## ۳- تعویق چندباره طرح رتبه بندی معلمان

مرحله اول طرح رتبه بندی معلمان، به منظور کاهش اعتراضات فرهنگیان از

سال ۹۴ اجرایی شد. این در حالی است که در برنامه ششم توسعه، دولت مکلف به اجرای کامل این طرح شده است. با

در حالی که به ماه های پایانی سال ۹۶ نزدیک می شویم، لایحه بودجه سال ۹۷ تقدیم مجلس شده و در حال تصویب به وسیله نمایندگان است.

لایحه تقدیمی بودجه ۹۷، هم چون پنج سال گذشته نگاه مثبتی به آموزش و پرورش ندارد. حتی از جهاتی نسبت به سال های گذشته، بودجه آموزش و پرورش، انقباضی تر است.

در این شرایط، برخی از مهم ترین معایب بودجه پیشنهادی برای آموزش عمومی در سال آینده را می توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

## ۱- کاهش بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور

در طی ده سال گذشته، بودجه آموزش و پرورش تقریباً به طور میانگین، ۱۰ درصد از بودجه عمومی کشور

را به خود اختصاص می داد. همین امر همواره در طی این سال ها مورد اعتراض تشکل های صنفی معلمان و فعالان رسانه ای این حوزه بوده است. این آمار در کشورهای پیشرفته صنعتی حتی تا ۳۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد است. با این حال در بودجه پیشنهادی سال ۹۷، سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور به زیر ۹ درصد رسیده است. این در حالی است که بودجه آموزش و پرورش در سال جاری با یک

بدهی ۶ هزار میلیارد تومانی به معلمان، به ماه های پایانی خود رسیده و احتمالاً این بدهی به سال آینده سرریز می شود.

بنابر نظر نمایندگان مجلس، نزدیک به ۳۵ درصد مدارس کشور جز بافت فرسوده است. با توجه به افزایش حوادث طبیعی هم چون زلزله در کشور، عملاً این مدارس به مکان هایی پرخطر برای دانش آموزان تبدیل شده است. با این حال دولت در لایحه بودجه ۹۷، سهم سازمان نوسازی مدارس را کاهش داده است. کاهش که بنابر نظر رئیس سازمان نوسازی مدارس، در حدود ۳۵ درصد است.

علاوه بر این، تلاش آموزش و پرورش در این سال ها، تامین بودجه مصرفی مدارس دولتی، از طریق دریافت هزینه از خانواده دانش آموزان بوده است.

در واقع آن چه که به عنوان مشارکت داوطلبانه مردمی از آن نام برده می شود، دریافت اجباری پول برای آموزش عمومی است که صراحتاً برخلاف اصل ۳۰ قانون اساسی است.

۵- تداوم شکاف



این حال با وجود وعده های گوناگون، اجرای مرحله دوم این طرح هم چنان بلا تکلیف بوده و در بودجه پیشنهادی دولت

برای سال ۹۷ هم، برای این طرح پیش بینی صورت نگرفته است.

۴- ادامه سیاست کالایی سازی آموزش

با توجه به لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه سال آینده آموزش و

پرورش، قابل تصور است که ادامه سیاست کالایی سازی آموزش، هم چون پنج سال گذشته در دستور کار دولت دوازدهم است. چرا که برای همگان روشن است که این

شکاف دستمزدی میان معلمان و سایر کارمندان دولت یکی از موارد مورد اعتراض فرهنگیان در همه سال های اخیر بوده است.

این شکاف از اوایل سال های دهه هفتاد با اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی رو به افزایش گذاشت و در حال حاضر میانگین دستمزد دریافتی معلمان، حدوداً ۵۰ درصد میانگین دریافتی سایر کارکنان دولت است.

در بودجه سال ۹۷ نیز توجهی به این شکاف دستمزدی نشده است و میزان افزایش حقوق معلمان - هم چون سایر کارکنان دولت - همان ۱۰ درصد است. با توجه به افزایش مزایای جانبی که علاوه بر حقوق، سایر کارکنان دولت همه ساله دریافت می کنند، طبیعی است

با توجه به لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه سال آینده آموزش و پرورش، قابل تصور است که ادامه سیاست کالایی سازی آموزش، هم چون پنج سال گذشته در دستور کار دولت دوازدهم است. چرا که برای همگان روشن است که این بودجه پیشنهادی کفاف مخارج و هزینه های جاری و عمرانی وزارت آموزش و پرورش نیست. در همین راستاست که هم چون سال های گذشته، واگذاری اماکن آموزشی به بخش های خصوصی به منظور کسب درآمد و استفاده تجاری و هم چنین سیاست خرید خدمت آموزشی در دستور کار

بودجه پیشنهادی کفاف مخارج و هزینه های جاری و عمرانی وزارت آموزش و پرورش نیست.

در همین راستاست که هم چون سال های گذشته، واگذاری اماکن آموزشی به بخش های خصوصی به منظور کسب درآمد و استفاده تجاری و هم چنین سیاست خرید خدمت آموزشی در دستور کار

فراستان آموزشی کشور خواهد بود. واگذاری مدارس دولتی به افراد و موسسات خصوصی، هم چنان که

که هم چنان شاهد افزایش این شکاف دستمزدی در سال جاری نیز باشیم.

آمارهای این چند ساله نشان داده است، موجبات افت گسترده کیفیت آموزشی در کشور را فراهم می کند.

# بهمن احمدی امویی: شفافیت لایحه بودجه ۹۷ شعارگونه است



گفتگو از علی کلائی

طبیعتاً در مقایسه با لوایح بودجه ای که دولت آقای احمدی نژاد - به خصوص در چهار سال دوشمنان - ارائه داده اند، شفاف تر است. این لایحه هم چنین نسبت به چهار لایحه گذشته دولت آقای روحانی هم، دارای بخش های شفافتری است؛ اما به مفهومی که در فضای مجازی هم در رابطه با آن صحبت شده است، به اعتقاد من شفافیتی ندارد. چون (در فضای مجازی) بحث بودجه نهادهای مدنی مطرح شد و خیلی ها به این نتیجه رسیدند که دولت با مطرح کردن این نهادها، قصد شفاف سازی دارد. این در حالیست که همین بودجه در قبل هم در ردیف های مختلف وجود داشت. در حال حاضر هم بودجه آن نهادها را به نوعی به زیرمجموعه بودجه برخی دستگاه ها منتقل می کنند. مثلاً فرض کنید که بودجه نهادهای فرهنگی که قبلاً پراکنده و در ردیف های مختلف بود، الان زیر نظر وزارت ارشاد برده اند. اما این که در این رابطه شفاف سازی و نظارت صورت می گیرد، مثل این است که بپرسیم عملکرد بودجه سال قبل و یا سال های قبل تر، چقدر با آن چیزی که در قانون بودجه آمده، همخوانی داشته است؟ این مسئله به نظارتی که نهادهای نظارتی بر روند اجرای بودجه دارند، بر می گردد؛ این که چه مبلغی از بودجه به ردیف هایی که گفته شده، اختصاص پیدا کرده و چقدر از آن در همان مسیر واقعی خرج شده است. این ها چیزهایی است که شفافیت ندارد و امکان دسترسی به آن هم وجود ندارد. من حتی چند قدم جلوتر می روم؛ بسیاری از نمایندگان مجلس حتی از ساختار بودجه ریزی در ایران و نحوه هزینه کردن آن اطلاع ندارند و اساساً نمی دانند که چه اتفاقاتی در آن جا می افتد. بر همین اساس، مسائلی که در رابطه با شفافیت گفته می شود، بیش تر جنبه شعارگونه دارد و در عمل نمی توان شفافیت خاصی در آن دید.

**صیقل** نقطه قوت لایحه بودجه ۹۷ به نظر شما در کجاست؟  
**صیقل** نقطه قوت این لایحه در آن است که مردم و خود حاکمیت را واقع بین کرده که اداره کردن کشور، کار آسانی نیست. می توان گفت که منابع درآمدی بسیار محدود، و هزینه هایی که

لایحه بودجه ۹۷ در سال جاری به شدت خبرساز شد و به همین دلیل برای بررسی ابعاد مختلف مسئله بودجه در ایران با محوریت این لایحه، تلاش فراوانی کردیم که با اهل فن در این خصوص به گفتگو بپردازیم. سرانجام بخت یار بودیم و امکان گفتگو با آقای امویی میسر شد.

بهمن احمدی امویی، دانش آموخته اقتصاد، روزنامه نگار و زندانی سیاسی سابق است. از آقای امویی که سابقه همکاری با روزنامه هایی چون جامعه، صبح امروز، توس، نوروز، شرق و سرمایه را در کارنامه خود دارد، تاکنون کتاب هایی چون "اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی" و "مردان جمهوری اسلامی چگونه تکنوکرات شدند" نیز منتشر شده است.

با ایشان از شفافیت بودجه ۹۷ و نقاط قوت و ضعف آن سخن گفتیم و سری به تخصیص های مختلف بودجه در حوزه های گوناگون زدیم. یکی از گویاترین نکات در این گفتگو در پاسخ به آخرین سوال مطرح شد که آقای امویی گفتند: "می گویند بودجه نشان دهنده سطح تمدن و توسعه یافتگی یک کشور است. در نتیجه سطح تمدن و توسعه یافتگی ما متناسب با بودجه مان است."

مشروح گفتگو با بهمن احمدی امویی در خصوص لایحه بودجه ۹۷ در زیر از نظرتان می گذرد.

**صیقل** لایحه بودجه ۹۷ را که از سوی دولت دوازدهم به مجلس ارائه شده، تا چه حد نسبت به لوایح مشابه پیشین شفاف تر می دانید؟

این مسئله پیش از هر چیز به این برمی گردد که ما بخواهیم این لایحه بودجه را با چه دولت و شرایطی مقایسه کنیم. این لایحه



یکی از نقاط ضعف عمده است. ضمن این که، آن نقطه ضعف های ساختاری که در ساختار بودجه ریزی در ایران همواره وجود داشته، در این بودجه هم ادامه پیدا کرده است. به عنوان مثال، ما یک چیزی به نام تفریق بودجه داریم که هر ساله توسط دیوان محاسبات انجام می شود. در تفریق بودجه، کارشناسان بررسی می کنند که به هر ردیف بودجه، چقدر درآمد اختصاص داده شده، در این فرآیند چه میزان از این مبلغ در جای خودش هزینه شده و چقدر آن به مسیر انحراف کشیده شده؛ خوب هزینه نشده و یا به ردیف های دیگر بودجه منتقل شده است. بر همین اساس، هم نمایندگان مجلس و هم نهاد دولت (کارشناسان سازمان برنامه و بودجه)، با استفاده از آن گزارش تفریق بودجه - که گزارشی آسیب شناسانه است-، بودجه سال آینده را دقیق تر و بهتر ارائه می دهند. اما، اولاً که در دوران دولت آقای احمدی نژاد، اساساً این تفریق بودجه کنار گذاشته شد. ثانیاً در حال حاضر هم هنوز در حال تفریق بودجه سال های گذشته هستند. بنابراین، شما هرگز به عنوان کسی که در حال اجرای بودجه هستید، یا به عنوان کسی که ناظر بر بودجه هستید و یا به عنوان نماینده مجلس، گزارش و عملکرد درستی نسبت به بودجه سال های قبل ندارید تا از آن طریق ایرادات خودتان را بررسی کنید، مانع تکرار اشتباهات شوید و یا از تصمیمات غلطی که گرفته شده، جلوگیری شود.

**صالح** بر چه مبنایی سهم بخش های مختلف در لایحه بودجه تعیین می شود؟ مثلاً ما شاهد سهم اندکی برای بخش های آموزشی و محیط زیستی هستیم و حتی بحث حذف بودجه ریزگردها مطرح شده است. اما از سوی دیگر، حتی از ریزترین منابع درآمدزایی بودجه، مثل نظام وظیفه، دولت در حال درآمدزایی است. نگاه شما به این مسئله چیست؟

بودجه در ایران یک فرآیند اقتصادی-سیاسی است. چیزی که معمولاً نه کارشناسان اقتصادی و نمایندگان و نه منتقدین به آن توجه می کنند. در رابطه با فرآیند بودجه، یک مثال ملموس برای شما می زنم. معمولاً در آذرماه که بحث ارائه بودجه از طریق دولت به مجلس مطرح می شود، ما با سیر مصاحبه های مطبوعاتی

باید صورت گیرد، بسیار زیاد است. در نتیجه درآمدها و هزینه ها با هم همخوانی ندارند و باید تعادلی میان آن ها برقرار شود. باید هزینه های زیادی که غیر ضروری است، حذف و یا کاهش داده شود و روی هزینه های واقعی تمرکز کنیم. این آن چیزی است که من از بودجه امسال برداشت می کنم. در واقع به صورت غیر مستقیم این را مطرح می کند که ما باید به این مسائل بپردازیم. همین که دولت به شیوه های مختلف -حتی در سخنان اخیر آقای روحانی-، به وزارت خانه ها و نهادهای مختلف دستور داده است که شرکت های تحت پوشش خودتان را بفروشید و به جای شرکت داری، با سرمایه آن وارد بازار سرمایه شوید، نشان می دهد که می خواهد آن وزارت خانه ها و نهادها را کارآمد کند و پول و سرمایه ای را در اختیار نهادهای دولتی عمومی قرار دهد. از طرف دیگر، بحث هایی که مشخص نیست شایعه هستند یا واقعیت مطرح می شود مبنی بر این که با نهادهای نظامی به توافق برسند که در حوزه فعالیت های اقتصادی خودشان را محدود کنند و یا فقط در یک سری بخش های خاص حضور داشته باشند. این مسائل تماماً نشان دهنده آن است که می خواهند این بودجه را با هزینه ها تطبیق دهند. هرچند که شما اگر از زوایای دیگر به این بپردازید، شاید همین نقطه قوت را نقطه ضعف ببابید.

**صالح** شما به نقطه قوت بودجه اشاره کردید. اما بزرگ ترین نقاط ضعفی که وجود دارد و می توان آن را نقد کرد از نگاه شما چیست؟

اگر سخنرانی های دکتر مسعود نیلی را -که دستیار ویژه اقتصادی رئیس جمهوری و مشاور ارشد ایشان هستند- در یک سال اخیر رصد کنید، می بینید که همواره به چند ابرچالش در اقتصاد سیاسی ایران اشاره می کند؛ مثل بحث محیط زیست، سیستم بانکی و صندوق های بازنشستگی که معتقد است این موارد پاشنه آشیل حکومت جمهوری اسلامی در آینده است. اگر از این زاویه نگاه کنیم، لایحه بودجه ۹۷، به این ابرچالش ها توجهی ندارد و یا توجه بسیار کمی دارد. بنابراین همین مسئله

مقامات دولتی و نهادهای بخش عمومی که از دولت بودجه می گیرند، مواجه هستیم. روسای این نهادها معمولاً مصاحبه می کنند و در مورد پروژه هایی که در نظر دارند و یا خواسته هایشان می گویند. در واقع پیشاپیش از طریق رسانه ها فشار می آورند که ما به این میزان بودجه نیازمند هستیم و آن را می خواهیم. می گویم ملموس، چرا که رد پایش را می توانید در رسانه ها پیدا کنید. اما موضوع بعدی این است که در پشت پرده اتفاقات خاص دیگری می افتد. هر وزیری، توان چانه زنی بیش تر با کسانی که بودجه ریزی می کنند، داشته باشد، سهم بیش تری از بودجه را به خودش اختصاص می دهد. آن جا شما کارشناسان و کسانی که تصمیم ساز و تصمیم گیر هستید را راضی می کنید به این که مثلاً فلان نهاد

بخش سرمایه گذاری در حوزه نظامی، این اهمیت های مختلف را دارد. بحث امنیت را پیش می کشید. بحث اقتصاد و بحث آینده نگری را پیش می کشید. مثلاً در حوزه زیربنایی، وزیر راه و مسکن اگر ارتباطات قوی تری با کارشناسان سازمان برنامه و بودجه،

و حتی تصمیم سازان بالاتر از آن در حوزه کمیسیون های اقتصادی دولت داشته باشد، راحت تر می تواند با آن ها وارد چانه زنی شود. معمولاً وزارتخانه هایی مثل وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی، مهجور هستند. دلیل آن هم این است که این وزارتخانه ها یا نمی توانند روابط چندان خوبی با آن ها برقرار کنند و یا معمولاً در این ساختارها زیاد جدی گرفته نمی شوند. به همین خاطر می بینید که بودجه های وزارتخانه هایی مانند وزارت نفت، نیرو و راه، اساساً قابل مقایسه با بودجه وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی و یا حتی بهداشت نیست.

بخش دیگر آن به مسئله فساد سیستماتیک نهفته شده در ایران بازمی گردد. من قصد محکوم کردن کسی را ندارم، اما در واقع روند به گونه ای است که پشت پرده کارشناسان، یا تمامی کسانی که بودجه را می بندند و بعد به مجلس می آید و روی آن صحبت می

شود و عدد و رقم ها تغییر می کند، دست هایی نهفته است که در واقع منافع گروه ها و نهادهای مختلف را جا به جا می کند و رانت های متعددی نصیب افراد می شود و یا از افرادی گرفته می شود. در این فرایند این ها جابه جا می شوند. برای همین است که شما می بینید، بودجه ای که توسط کارشناسان سازمان برنامه و بودجه نوشته می شود، با آن چیزی که توسط کمیسیون اقتصادی دولت تصویب می شود و به کابینه داده می شود، متفاوت است. آن لایحه بودجه ای هم که توسط دولت به مجلس داده می شود، مجدداً در مجلس دستکاری می شود. همین فرایند یک بار دیگر در شورای نگهبان اجرا می شود و عدد و رقم ها دستکاری می شود. در نهایت آن بودجه ای که تصویب می شود، شاید تا ۴۰-۵۰ درصد، با نگاه کارشناسانی که در



سازمان برنامه و بودجه روی آن توافق صورت گرفته، همخوانی داشته باشد. این یک روند سیاسی است. نماینده مجلسی که توان چانه زنی بالا، و سابقه و ارتباطات زیاد با وزرا و جاهای مختلف داشته باشد، به راحتی می تواند برای این که در

دوره های بعد محملی برای رای آوری مجدد به دست آورد، طرح های متعددی را در قانون بودجه بگنجانند. بنابراین، به همین خاطر است که ما می بینیم با چند هزار طراح نیمه تمام، در طول این ۳۰-۴۰ سال اخیر مواجه بودیم که در واقع بر اساس نگاه سیاسی و نه اقتصادی و نه آمایش سرزمینی، به بودجه های کشور تحمیل شده و سازمان برنامه و بودجه کشور و در نهایت دولت، با محدودیت بودجه مواجه شدند و سالانه مقدار بسیار اندکی بودجه به آن ها تزریق شده است. همین است که شما طرحی را می بینید که ۳۰ سال است دارد ادامه پیدا می کند و هنوز به ۵۰ درصد شرایط فیزیکی خودش هم نرسیده است.

در واقع مجموعه ای از عوامل است که من سعی کردم خیلی خلاصه آن را توضیح بدهم.

صلح خط یکی از انتقادات به دولت، تخصیص بودجه های کلان

به نهادهای مذهبی-تبلیغی است. به نظر شما چرا آقای روحانی نمی‌توانست از این بودجه‌ها بکاهد و در عوض در بخش‌هایی که انتظار می‌رفت، مانند حوزه رفاهی یا عمران سرمایه‌گذاری بیش‌تری کند؟

ببینید، سوالات زیادی توسط منتقدین و افکار عمومی مطرح شده که چرا چنین بودجه‌ای به این نهادها اختصاص پیدا کرده است، ولی متأسفانه پاسخی به آن نه از طرف نهاد دولت و نه از طرف نمایندگان مجلس داده نشده است. تنها جوابی که داده شده محدود می‌شود به مقایسه شفافیت در لایحه بودجه ۹۷ با لویح بودجه در سال‌های گذشته. برخی گمانه‌زنی می‌کنند که این مسئله به تغییر و تحولاتی که ممکن است در عرصه کلان‌حکومتی در حوزه رهبری رخ دهد، مرتبط باشد. به شخصه در این خصوص نظری ندارم و نمی‌دانم چرا چنین اتفاقی افتاده است؛ به خصوص در زمانی که دولت با محدودیت بودجه بسیار زیادی مواجه است. نمایندگان مجلس هم در بازنگری‌شان، تغییر و تحولی در این خصوص به وجود نیاوردند و من واقعاً دلیل آن را نمی‌دانم.

یکی از مواردی که رهبری جمهوری اسلامی بر آن **صحت** تاکید دارد، بحث اقتصاد مقاومتی است. درک شما از اصطلاح "اقتصاد مقاومتی" چیست و آیا نشانه‌هایی از آن را در لایحه بودجه پیش‌رو می‌توانید ببینید؟

اقتصاد مقاومتی، به معنی همان تولید ملی است. تولید ملی، حرفی است که حداقل در ۴۰ سال گذشته زده است. مثلاً مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی در این رابطه زیاد گفته است و به طور کلی مذهبی‌ها روی بحث سرمایه‌داری و تولید ملی کار کرده‌اند. در واقع می‌خواهم بگویم که ممکن است ادبیات متفاوت باشد، اما سال‌هاست گروه‌هایی که برای ایران و آینده این کشور دل‌نگران هستند، این مسئله را مطرح کرده‌اند. مسئله مهم در این خصوص این است که دولت‌ها توجه بسیار کمی به این مقوله دارند. نگاهی کلی به میزان صادرات و واردات کشور نشان‌دهنده آن است که صادرات ما عمدتاً محدود به نفت

و میعانات گازی است اما واردات ما همه نوع کالا و خدمات را-غیر از زمین و مسکن که امکان‌ش وجود ندارد- در بر می‌گیرد و در برخی دولت‌ها مانند دولت آقای محمود احمدی‌نژاد میزان واردات به ۹۰ میلیارد دلار در سال هم می‌رسد. واردات ما حتی گاهی شامل کالاهایی نظیر انواع میوه هم می‌شود و این در حالیست که ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده میوه در خاورمیانه و شمال آفریقا است. واقعیت امر این است که اساساً ما کالای قابل ارائه به جهان نداریم. سیاست خارجی و داخلی ما در خدمت تولید نیست. تربیون‌های رسمی و غیر رسمی در خدمت تولید قرار ندارند. روندها و قوانین و مقررات ما هم در خدمت تولید نیست. همه، در خدمت واسطه‌گری، دلالتی و واردات است. قیمت زمین و قیمت پول در ایران بسیار زیاد است و همین دو مورد مانع تولید می‌شوند. تا وقتی نرخ تسهیلات بانکی و نرخ مستقالات در ایران تا این حد بالا است، تولید در کشور رونق پیدا نمی‌کند. اساساً این یک مشکل تاریخی در ایران است؛ همیشه در ایران این نقد وجود داشته که چرا صاحبان سرمایه در ایران دنبال تولید نیستند. جمهوری اسلامی البته این مشکل را تشدید، گسترده‌تر و پیچیده‌تر کرده است. در نتیجه اقتصاد مقاومتی و این حرف‌ها، شعاری بیش نیست و حداقل در عمل جوابگو نیست.

آیا این روند بودجه‌نویسی را متناسب با وضعیت موجود و **صحت** روند توسعه‌ای که در کشور وجود دارد، می‌بینید؟ اگر نه، فکر می‌کنید برای اصلاح آن چه باید کرد؟

در یکی از تعاریفی که برخی از اقتصاددانان برای بودجه به کار می‌برند، می‌گویند بودجه نشان‌دهنده سطح تمدن و توسعه یافتگی یک کشور است. در نتیجه سطح تمدن و توسعه یافتگی ما متناسب با بودجه‌مان است؛ ردیف‌های بودجه ما غیرشفاف، غیر پاسخگو و غیر قابل ردیابی است. هم‌چنان که ما در سطوح کشوری و در تمام ارکان نظام، نسبت به حرف‌ها و پول‌هایی که سرازیر می‌شود، هیچ شفافیت، پاسخگویی و ردیابی نداریم. بنابراین، این دو مقوله به یکدیگر وابسته هستند و اصلاح بودجه، نیازمند اصلاح در بسیاری از رده‌های حکومتی است.

**صحت** با تشکر از فرصتی که در اختیار خط صلح قرار دادید.



# پیش بینی حذف یارانه میلیون ها نفر در لایحه بودجه ۹۷



دلبر توکلی

روزنامه نگار

با توجه این که حذف یارانه های دولتی از مواد سوختی، مواد خوراکی، آب، برق و سایر اقلام به هدفمندی یارانه ها می انجامد و به جای آن دادن یارانه نقدی به اقشار کم درآمد موازنه اقتصادی را در بدنه جامعه ایجاد می کند، قانون هدفمند کردن یارانه ها را از ۲۸ آذر ۱۳۸۹ به اجرا در آورد.

قانونی که از آن به عنوان بزرگترین طرح تاریخ اقتصادی ایران نام برده می شود، اما بنا بر آمار رسمی موجود در وزارت اقتصاد و دارایی ایران، فاز اول این طرح با شکست روبه رو شد و خانوارهای بیش تری را به زیر خط فقر سوق داد.

در کلیات طرح هدفمند سازی یارانه ها پیش بینی شده بود که در مدت پنج سال، یارانه کالاهایی چون بنزین، گازوئیل، گاز، نفت، برق، آب، گندم، شکر، برنج، روغن و شیر حذف شده و آن ها با قیمت بازارهای منطقه خلیج فارس عرضه شوند.

هم چنین پیش بینی شده بود که دولت ایران می تواند ۲۰ هزار میلیارد تومان از بابت افزایش قیمت، درآمد داشته و در این بین، نیمی از این درآمد را برای مقابله با تورم به صورت نقدی بین

مردم توزیع کند. اما می بینیم که به پایان پنج ساله رسیدیم و نه تنها توزیع درآمدی برای مقابله با تورم بین مردم توزیع نشده، بلکه شاهد آن هستیم که نرخ دلار از ۱۲۲۶ تومان به بالای



۴۰۰۰ تومان رسیده است. حتی نرخ تخم مرغ آن قدر پرواز کرد که دست مردم به آن نمی رسد.

بسیاری بر این باور اند که اعتراضات سراسری ایران در دی ماه سال جاری، تنها به مشکلات اقتصادی مردم باز می گردد؛ حتی در جاهایی شنیده شده است که آن را "اعتراضات تخم مرغی" نامیدند. اگر بخواهیم فرض را بر این بگذاریم که واقعاً، تنها دلیل اعتراضات مردمی، به مسائل اقتصادی باز می گردد، دولت و مجلس باید به طور جدی در خصوص برخی تصمیماتشان در لایحه بودجه سال ۹۷، تجدید نظر کنند.

یکی از موارد بحث برانگیز در لایحه بودجه سال ۹۷ حذف یارانه نقدی بیش از ۳۳ میلیون نفر از یارانه بگیران است. به گفته علی اصغر یوسف نژاد، سخنگوی کمیسیون تلفیق، لایحه بودجه ۹۷، در حال حاضر ۷۶ میلیون و ۳۱۷ هزار و ۵۹۳ نفر در کشور یارانه دریافت می کنند و این نسبت به سال گذشته حدود یک میلیون

نفر افزایش پیدا کرده است.

چگونگی ورود یارانه به زندگی مردم

در واقع هدفمند سازی یارانه ها یکی از بناهایی است که از روز اول خشت آن به دست محمود احمدی نژاد (رئیس جمهور سابق ایران)،

کج بنا نهاده شد. میراثی از دولت نهم که امروز دولت دوازدهم به نوعی در باز کردن این گره کور، زمین گیر شده است. دولت نهم

تصمیم بر حذف تقریباً نیمی از یارانه بگیران در لایحه بودجه ۹۷، با نظرات موافق و مخالف زیادی رو به رو شد. به گزارش

خبرگزاری های داخل کشور، با ارائه لایحه بودجه ۹۷ به مجلس شورای اسلامی، مشخص شد که دولت بودجه اجرای هدفمند کردن یارانه ها را حدود ۱۱ میلیارد تومان کاهش داده است. در لایحه بودجه ۹۷، خالص وجوه ناشی از هدفمند کردن یارانه ها، ۳۷ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده؛ در حالی که این رقم در سال جاری ۴۸ هزار میلیارد تومان بوده است. بنابراین به طور حتم باید تعدادی از افراد از لیست یارانه بگیران فعلی خارج شوند تا تعادل بین میزان پرداختی ها و این ارقام به وجود آید.

بحث تغییر مکانیزم پرداخت یارانه و حذف دهک های پر

درآمد از همان ابتدای طرح هدفمندی یارانه مطرح بود، اما فقط حدود ۴ میلیون نفر از لیست یارانه بگیران طی سال های گذشته کم شد و تا به حال منابعی از این بخش به تولید و دهک های پایین جامعه پرداخت نشده است. حالا دولت دوازدهم مدعی است که در لایحه بودجه ۹۷، مسیر پرداخت یارانه نقدی را به سمت خانوارهای نیازمند تغییر داده است.

به گفته مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس،

طبق قانون هدفمندی، ۵۰ درصد از درآمد هدفمندی باید به مردم، ۳۰ درصد به تولید و ۲۰ درصد به دولت اختصاص پیدا

کند اما در سال های گذشته مغایر قانون عمل شده و شاهد این بودیم که دولت ۳۵ هزار میلیارد تومان از محل درآمد هدفمندی را به یارانه نقدی اختصاص داده و ۱۱ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان نیز از

بحث تغییر مکانیزم پرداخت یارانه و حذف دهک های پر درآمد از همان ابتدای طرح هدفمندی یارانه مطرح بود، اما فقط حدود ۴ میلیون نفر از لیست یارانه بگیران طی سال های گذشته کم شد و تا به حال منابعی از این بخش به تولید و دهک های پایین جامعه پرداخت نشده است. حالا دولت

دوازدهم مدعی است که در لایحه بودجه ۹۷، مسیر پرداخت یارانه نقدی را به سمت خانوارهای نیازمند تغییر داده است.

دریافت یارانه ها حذف می شوند و این مسئله نه تنها فقر را در

کشور از بین نمی برد بلکه افراد فقیر را نابود می کند. حاجی بابایی چندی پیش سوالی را که بی پاسخ مانده مطرح کرد، او

گفت: ”در هدفمندی یارانه ها پول مردم را دادیم اما سهم تولید و ۲۰ درصد مربوط به کارکنان مشخص نیست کجا رفت!“ به گفته این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در لایحه بودجه آمده است اگر کسی می خواهد یارانه بگیرد باید برود و در صف بایستد. این در حالی است که پیش از این یارانه ها به حساب بانکی افراد واریز می شد. کدام گروه از مردم در سال ۹۷ یارانه

دریافت می کنند

نتیجه آخرین نشست ها در سازمان برنامه و بودجه حکایت از آن دارد که دولت در بودجه سال ۹۷، به ۷/۴ میلیون نفر افراد مددجوی کمیته امداد امام - که شامل ۳/۹ میلیون

نفر مستمری بگیر و ۸۰۰ هزار نفر مددجوی موردی و پشت نوبتی می شود، یارانه پرداخت می کند. هم چنین دولت به حدود ۳/۶ میلیون نفر مددجویان تحت پوشش بهزیستی - که شامل ۱/۳

میلون نفر مستمری بگیران و ۲/۳ میلیون نفر نیازمندان موردی و پشت نوبتی می شود، یارانه پرداخت می کند. به علاوه، یارانه به ۱/۲ میلیون نفر زنان سرپرست خانوار ارائه می شود و به افراد ساکن در دهستان های با ضریب ۶،۷،۸،۹ - که این ضرایب در

خصوص محرومیت و فقر روستایی های است، یارانه پرداخت می شود که شامل حدود ۸ میلیون نفر در ۱۵۹۸ دهستان در کشور است. به یک میلیون نفر بیماران خاص و صعب العلاج نیز یارانه پرداخت می شود.

هم چنین به گروه های نیازمند تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی که شامل حدود ۱۱ میلیون نفر است، یارانه پرداخت می شود. این تعداد شامل ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر کارگران ساختمانی بیمه شده و پشت نوبتی، ۳ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر رانندگان برون شهری، یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر قالبیافان، ۷۱۰ هزار نفر صیادان و ۲۵۰ هزار نفر طلبه، ۹۰ هزار نفر خادمان مساجد، ۲۸۰ هزار نفر باربران، یک میلیون نفر عشایر و ۴/۸ میلیون نفر بازنشستگان با حقوق کمتر از یک

میلیون تومان، به علاوه افراد تحت تکلف و حدود ۲ میلیون و ۹۵۰

هزار نفر نیازمند دریافت یارانه نیز یارانه نقدی پرداخت می شود. به گفته جعفرزاده ایمن آبادی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای با این لایحه جدید حدود ۳۴ میلیون و

۵۰۰ هزار نفر از جمعیت یارانه بگیر کشور کم می شود.

### حذف یارانه نقدی نان در سال ۹۷

نان یکی از مهم ترین اغذیه در سبد کالای خانوار است که طی چند سال گذشته از بقیه گرانی ها جا نمانده و نرخ آن بر



خلاف کیفیتش، رشد صعودی داشته است. بر اساس آخرین مصوبه دولت در نانوان هایی های دولتی، نرخ ارزان ترین نان از ۲۴۰ تومان شروع می شود و به بیش از هزار تومان هم می

رسد. دولت در سال های گذشته در لویح بودجه دو ردیف جداگانه برای نان در نظر می گرفت که عبارت بود از "یارانه نقدی نان" و "یارانه نان". بر همین اساس در لایحه بودجه ۹۶ کل کشور، دولت ۲۳۰۰ میلیارد تومان برای ردیف یارانه نقدی نان و ۸۲۰۰ میلیارد تومان هم برای یارانه نان در نظر گرفته بود. این در حالی است که دولت در لایحه بودجه سال ۹۷، ردیف های یارانه نان و یارانه نقدی نان را از جداول بودجه حذف کرد و در تبصره ۱۴ بودجه، مبلغ ۳۳۰۰ میلیارد

بر اساس آخرین مصوبه دولت در نانوان هایی های دولتی، نرخ ارزان ترین نان از ۲۴۰ تومان شروع می شود و به بیش از هزار تومان هم می رسد. دولت در سال های گذشته در لویح بودجه دو ردیف جداگانه برای نان در نظر می گرفت که عبارت بود از "یارانه نقدی نان" و "یارانه نان". بر همین اساس در لایحه بودجه ۹۶ کل کشور، دولت ۲۳۰۰ میلیارد تومان برای ردیف یارانه نقدی نان و ۸۲۰۰ میلیارد تومان هم برای یارانه نان در نظر گرفته بود. این در حالی است که دولت در لایحه بودجه سال ۹۷، ردیف های یارانه نان و یارانه نقدی نان را از جداول بودجه حذف کرد و در تبصره ۱۴ بودجه، مبلغ ۳۳۰۰ میلیارد تومان به عنوان یارانه نان و خرید تضمینی گندم در نظر گرفت

تومان به عنوان یارانه نان و خرید تضمینی گندم در نظر گرفت



سوسن علی آبادی دانشجوی سال دوم ریاضیات است، او ضمن تایید سخنان احمد بهرامی و نرگس بهاری در گفتگو با خط صلح گفت: "پدر من دچار بیماری کلیه است، تعرفه های بیمه سلامت

که بر اساس ردیف های بودجه، ۱۷۰۰ میلیارد تومان آن برای یارانه خرید تضمینی گندم است. ناگفته نماند که دولت ماه گذشته افزایش قیمت نان را کلید زده بود که به دلیل مخالفت

های بسیار مجبور به انصراف از این کار شد.

### شهروندان چه می گویند؟

احمد بهرامی، ۳۲ ساله، یکی از شهروندانی که یارانه دریافت می کند به خط صلح گفت: "خط فقر اعلامی از سوی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی با خط فقر واقعی ملموس جامعه بسیار متفاوت است. قیمت گوشت گوسفندی کیلویی ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان، برنج کیلویی ۱۰ هزار تومان، نان ۱۰۰۰ تومان است و این ها فقط اقلام مربوط به ارزاق مردم هستند، اما یک زندگی استاندارد که شامل مسافرت، هزینه های درمانی با کیفیت متوسط و خوب و پوشاک می شود، برای اکثریت جامعه تبدیل به یک رویا شده است.

احمد بهرامی، ۳۲ ساله، یکی از شهروندانی که یارانه دریافت می کند به خط فقر اعلامی از سوی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی با خط فقر واقعی ملموس جامعه بسیار متفاوت است. قیمت گوشت گوسفندی کیلویی ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان، برنج کیلویی ۱۰ هزار تومان، نان ۱۰۰۰ تومان است و این ها فقط اقلام مربوط به ارزاق مردم هستند، اما یک زندگی استاندارد که شامل مسافرت، هزینه های درمانی با کیفیت متوسط و خوب و پوشاک می شود، برای اکثریت جامعه تبدیل به یک رویا شده است.

در داروخانه ها و آزمایشگاه ها قطع شده است و فقط مراکز دولتی بسیار بی کیفیت بیمه سلامت می پذیرند، اما آن ها هم بسیاری از آزمایشات را انجام نمی دهند. کاش دولت از ابتدا طرح هدفمندی یارانه را اجرا نمی کرد، چون اقلام روز به روز گران تر شدند و یارانه های پرداختی جوابگوی گرانی ها نیست. به بهانه حذف یارانه ها، آب، برق، گاز و بنزین را مدام گران تر کردند. فکر می کنم دولت به دلیل کمبود بودجه و این که برخی خزانه دولت را خالی کردند، به دریافتی خودش از مردم چشم بسته

مربوط به ارزاق مردم هستند، اما یک زندگی استاندارد که است.

شامل مسافرت، هزینه های درمانی با کیفیت متوسط و خوب

نا گفته نماند که غلامرضا اصغری رئیس سازمان غذا و دارو

اعلام کرد که میزان یارانه دارو در لایحه بودجه سال ۹۷ نسبت به ۹۶، تغییری نکرده و همان ۱۶۰۰ میلیارد تومان است اما انتظار داشتیم که این رقم به اندازه رشد نرخ تورم افزایش پیدا می کرد.

### کلام آخر

این طور به نظر می رسد که حذف دهک های پردرآمد از لیست یارانه بگیران و پرداخت یارانه تنها به افراد نیازمند، از اصلی ترین اهداف هدفمند شدن یارانه ها محسوب می شود. اما آیا تنها افراد ثروتمند

پدر من دچار بیماری کلیه است، تعرفه های بیمه سلامت در داروخانه ها و آزمایشگاه ها قطع شده است و فقط مراکز دولتی بسیار بی کیفیت بیمه سلامت می پذیرند، اما آن ها هم بسیاری از آزمایشات را انجام نمی دهند. کاش دولت از ابتدا طرح هدفمندی یارانه را اجرا نمی کرد، چون اقلام روز به روز گران تر شدند و یارانه های پرداختی جوابگوی گرانی ها نیست.

و پوشاک می شود، برای اکثریت جامعه تبدیل به یک رویا شده است. حالا آقایان چطور می خواهند «کم درآمد»ها را برای دریافت یارانه تعریف کنند، نمی دانم. همین رقمی هم که الان پرداخت می کنند، ۴۵۵۰۰ تومان بابت هر نفر، چندان دردی از ما را دوا نمی کند.

نرگس بهاری که سرپرست خانوار است، گفت: "کارگری که ماهی یکی میلیون می گیرد حتی از پس سیر کردن شکم و اجاره مسکن هم بر نمی آید؛ چه برسد

از این لیست خارج می شوند یا این لایحه جدید بار دیگر گریبان قشر آسیب پذیر جامعه را می گیرد؟

به بقیه مایحتاج زندگی. کاش دولت ایجاد اشتغال کند و حقوق های عقب افتاده ما را بدهد، یارانه پیش کشمان."

# تخصیص بودجه زنان؛ به نام زن، به کام چه کسی؟



فاطمه اختصاری

فعال حقوق زنان

دهد.

این مقاله سعی دارد موارد دریافت بودجه اختصاصی زنان را نام برده و اهمیت و فایده آن ها را برای جامعه ی زنان بررسی کند.

## وعده های روحانی به زنان

حسن روحانی علاوه بر وعده های انتخاباتی، در منشور حقوق شهروندی نیز مواردی را به زنان اختصاص می دهد، برای مثال:

- زنان حق دارند در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تاثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت های اجتماعی برابر برخوردار شوند.
- حق همه شهروندان به ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.
- حق زنان است که از فرصت های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.
- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی-ایرانی در عرصه های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.
- حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری های شایع زنان بهره مند شوند.
- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکل ها و سازمان های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.
- حق زنان است که از برنامه ها و تسهیلات بهداشتی و

هر سال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، برنامه مالی یک سال دولت را تدوین و برای تایید به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تسلیم می کند. در سال ۱۳۹۷، مجموع بودجه عمومی دولت حدود ۴۲۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

بر اساس داده های سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت زنان کشور ۳۹ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۸۲۸ نفر برآورد می شود. می توان گفت زنان تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

اگر بودجه سازمان هایی که تقریباً به طور تخصصی به مردان اختصاص یافته -برای مثال نهادهایی مانند ارتش- را در نظر بگیریم، می توان گفت که زنان از کل بودجه تصویب شده دولت، به اندازه مشارکشان در اجتماع، سهم دارند. برای مثال در افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت، زنان کارمند نیز سهم هستند.

متأسفانه در ایران به علت تبعیض هایی که نسبت به زنان اعمال می شود، آن ها حضور کمتری در اجتماع داشته و در نتیجه به طور کلی از درصد بودجه پایین تری برخوردار خواهند شد. برای مثال زنان خانه دار بیکار محسوب می شوند و یا سهم فعالیت زنان در اقتصاد و پروژه های عمرانی کشور به اندازه مردان نیست.

هر ساله علاوه بر بودجه همگانی ای که تصویب می شود، بودجه ای اضافه تر برای زنان و فعالیت های اختصاصی آنان در نظر گرفته می شود. در نظر گرفتن بودجه اختصاصی برای گروه هایی که مورد ظلم واقع شده اند و یا نیاز به بهبود شرایط دارند، یکی از راهکارهای دولت ها است. در جوامعی مثل ایران که زنان از حقوق قانونی برابر با مردان برخوردار نیستند، این افزایش بودجه تلاشی است برای رسیدن به برابری که می تواند در جهت رفع تبعیض موجود باشد و آثار و تبعات جامعه مردسالار را تا حدودی کاهش

دیده نمی شود، بلکه شاهد افزایش بودجه نهادهای امنیتی و سرکوبگر مردم نیز هستیم. برای مثال بودجه سپاه در سال ۹۷ افزایش ۴۲ درصدی خواهد داشت.

**بودجه اختصاصی زنان**

**۱- معاونت امور زنان و خانواده**

درمانی مناسب و آموزش و مشاوره های مناسب برای تامین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

بر اساس ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه، دولت با همکاری سازمان ها و دستگاه های ذی ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده، با



رئیس جمهور در حالی که در وعده های انتخاباتی اش از ایجاد فرصت های برابر برای زنان صحبت می کند، نه تنها نتوانسته قول ایجاد

تدوین و تصویب "برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده" مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی-معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تامین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی های سازمان های مردم نهاد، ارتقاء توانمندی های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و

وزارت خانه زنان را عملی کند، بلکه حتی برای عدم انتخاب وزیر زن نیز دلایل غیرقابل قبولی مطرح کرده است. بیش از ۶۰ درصد قبول شدگان مراکز آموزش عالی را زنان تشکیل می دهند؛ اما نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران تنها بین ۱۳ تا ۱۵ درصد است. از مواردی که روحانی وعده آن را به زنان داده و برای به عمل درآمد آن انتظار می رفت بودجه ای به آن تخصیص یابد، می توان به "ورود زنان به ورزشگاه" و "بیمه زنان خانه دار" اشاره کرد.

علاوه بر این حسن روحانی در سخنرانی های خود از حفظ کرامت انسانی و حذف

رئیس جمهور در حالی که در وعده های انتخاباتی اش از ایجاد فرصت های برابر برای زنان صحبت می کند، نه تنها نتوانسته قول ایجاد وزارت خانه زنان را عملی کند، بلکه حتی برای عدم انتخاب وزیر زن نیز دلایل غیرقابل قبولی مطرح کرده است. بیش از ۶۰ درصد قبول شدگان مراکز آموزش عالی را زنان تشکیل می دهند؛ اما نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران تنها بین ۱۳ تا ۱۵ درصد است.

خانواده، می بایست اقدامات مقتضی را انجام دهد.

گشت ارشاد و برخوردهای امنیتی در مقابل پوشش زنان حرف می زند؛ اما در برنامه های دولت نه تنها توجهی به این موضوع



هم اکنون معصومه ابتکار رئیس این سازمان است. بودجه این مرکز همواره از موارد مناقشه برانگیز بین نهادهای حکومتی بوده؛ اما هر ساله شاهد اختصاص یافتن بودجه ای مناسب به این مرکز هستیم. با نگاهی گذرا به برنامه های محوری این معاونت می بینیم که در کنار مواردی نظیر سلامت و پژوهش که از نکات قوت این برنامه هستند مواردی چون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، تعمیق باورهای دینی و غیره هم دیده می شوند که دقیقاً در جهت عکس برابری زنان و مردان قرار گرفته اند. هم چنین نهادهای موازی بسیاری با اهداف مشابه مذهبی وجود دارند که سالانه بودجه دریافت کرده و این موضوع، تخصیص بودجه زنان به این امر را زیر سوال می برد.

## ۲- شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه خواهران

اهداف این شورا سرپرستی و هدایت کلان حوزه های علمیه خواهران از راه سیاستگذاری، تصویب اصول، ضوابط و برنامه های کلی و نظارت بر حسن اجرای مصوبات و فرایند مدیریت حوزه های علمیه خواهران است. در سال ۹۵، تعداد طلاب زن

## خانوار

از مطرح شدن موضوع بیمه زنان خانه دار در محافل کارشناسی حدود ۱۸ سال می گذرد. اما دولت علاوه بر این که "حق بیمه زنان خانه دار" را تبدیل به گزاره ای شامل چند ویژگی از جمله داشتن سه فرزند کرده، در اجرای همان طرح نیز خود را ناکارآمد نشان داده است. و سال به سال نیز از بودجه اختصاص یافته به همین طرح نیز کم می شود.

به گفته پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان مجلس، "در حال حاضر ۷۷۰ هزار زن خانه دار دارای سه فرزند در کشور وجود دارد که تحت پوشش هیچ نوع بیمه ای نیستند و از این تعداد ۱۲۰ هزار زن، سرپرست خانوار هستند".

طیبه سیاوشی نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس می گوید: "جمعیت بسیار زنان خانه دار و وضعیت مالی بد صندوق های

بیمه ای سبب کم توجهی دولت به این موضوع است. با وجود این که در قانون برنامه ششم توسعه بیمه زنان خانه دار با داشتن حداقل سه فرزند به تصویب رسیده، اما ما معتقد به بیمه تمامی زنان خانه دار هستیم و این موضوع را پیگیری خواهیم کرد".



عکس از مهرخان

مشروط کردن بیمه زنان به داشتن سه فرزند با وجود داشتن ظاهری حمایتی، در درازمدت فشار را بر زنان خانه دار برای فرزندآوری افزایش خواهد داد. پروسه ای که در دهه شصت طی شد و نتیجه آن دور شدن زنان از بازار کار و فعالیت فرهنگی بود.

## ۴- شورای فرهنگی-اجتماعی زنان

در سال ۹۶ شاهد اختصاص بودجه ای به "شورای فرهنگی-اجتماعی زنان" بودیم. شرح وظایف این مرکز بسیار کاربردی و

حدود ۷۵ هزار نفر تخمین زده شده است. با توجه به جمعیت کم این زنان به نسبت زنان کل جامعه نمی توان انتظار داشت که این افزایش سالانه بودجه، تاثیری بر جامعه زنان حاضر در کشور داشته باشد. در واقع بودجه تخصیص داده شده به این مرکز تنها صرف گروهی حداقلی از زنان می شود که آن ها نیز در اکثر موارد، موضوع گیری هایی حتی رادیکال تر از مردان، علیه زنان دارند.

۳- بیمه زنان سرپرست خانه دار متاهل با اولویت زنان سرپرست

است اما وقتی این بودجه تنها به دانشگاه های زنانه محدود می شود، نشان دهنده حمایت از تفکیک جنسیتی دانشگاه و در نهایت محروم شدن زنان از انتخاب بعضی رشته ها است و نه حمایت از زنان. "تاسیس رشته های تحصیلی متناسب برای بانوان در جهت پیشرفت علم و اندیشه و تعالی جایگاه بانوان و تحکیم خانواده" و "فراهم کردن فرصت و فضای مناسب به منظور بروز بهتر توانمندی های علمی بانوان در محیطی مستقل از آقایان" برخی از اهداف این دانشگاه ها است. با نگاهی به این عناوین، می توان

دریافت که هدف از حمایت و گسترش فعالیت این مراکز دانشگاهی، دو قطبی کردن جامعه و دامن زدن به تقابل های دودویی زن/مرد است که این خود باعث ایجاد اختلاف در اجتماع و تقویت جامعه ی مردسالار می شود.

#### ۶- سایر ارگان ها

قسمتی از بودجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مربوط به حوزه زنان و خانواده است. مانند بودجه آموزش زنان باردار و شیرده، ارتقای سلامت باروری و شاخص های سلامت مادران، ترویج

متاسفانه مانند سال های گذشته شاهد هستیم که نه تنها برای "جلوگیری از بارداری" برنامه و بودجه ای در نظر گرفته نشده، بلکه بودجه ای اختصاصی برای "ترویج زایمان" نیز اعمال شده. اختصاص این بودجه به خودی خود بد نیست، اما وقتی دولت محدودیت های بسیاری برای خدمات جلوگیری از بارداری اعمال می کند، نتیجه آن می شود که زنان در سن مفید ۲۰ تا ۳۵ سال مشغول فعالیت های باروری شده و این امر در نهایت منجر به حذف زن از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می شود.

زایمان و درمان ناباروری و غیره.

متاسفانه مانند سال های گذشته شاهد هستیم که نه تنها برای "جلوگیری از بارداری" برنامه و بودجه ای در نظر گرفته نشده، بلکه بودجه ای اختصاصی برای "ترویج زایمان" نیز اعمال شده. اختصاص این بودجه به خودی خود بد نیست، اما وقتی دولت محدودیت های بسیاری برای خدمات جلوگیری از بارداری اعمال می کند، نتیجه آن می شود که زنان در سن مفید ۲۰ تا ۳۵ سال مشغول فعالیت های باروری شده و این امر در نهایت منجر به حذف زن از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می شود.

از دیگر بودجه های اختصاصی زنان می توان به "آموزش زنان روستایی"، "سنوات مستمری"، "ورزش زنان، عشایر، معلولان و

مفید بوده و برعکس شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه، بخش بزرگی از جامعه زنان را تحت پوشش قرار می دهد. بررسی وضعیت شغلی زنان، افزایش مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برنامه ریزی برای اوقات فراغت زنان، و ارزیابی مستمر وضعیت فرهنگی و اجتماعی آنان چند نمونه از فعالیت های این مرکز است. اما چیزی که در عمل شاهد آن بوده ایم تصویب طرح هایی بوده که نه تنها به زنان کمک نکرده، بلکه از آزادی آن ها نیز کاسته

است. یکی از طرح های مصوب این شورا "طرح جامع عفاف" بوده که بر اساس آن پلیس حق اظهار و اعمال نظر بر پوشش مردم را دریافت کرده است. از دیگر طرح های این شورا "طرح ارتقای امنیت اجتماعی" موسوم به "گشت ارشاد" و "آیین نامه اجرایی اصول و سیاست های بهینه سازی حضور زن در سینما" است که محدودیت ها و جهت دهی های فراوانی برای حضور زنان در سینما و هم چنین محتوای فیلم های

سینمایی مرتبط با موضوع زنان وضع کرده است.

هم اکنون این شورا تحت نظارت زهرا آیت اللهی است که چندی پیش شاهد اظهارنظرهای جنجالی وی درباره لایحه "تامین امنیت زنان در برابر خشونت" بودیم.

با بررسی عملکرد این شورا شاید باید از دولت برای حذف بودجه اختصاصی این مرکز تشکر نیز کرد.

#### ۵- دانشگاه های زنانه

شش دانشگاه از جمله "الزهرا"، "کوثر" و "حضرت نرجس" از بودجه اختصاصی دولت بهره مند می شوند که این بودجه به نسبت سال پیش افزایش یافته است.

اختصاص اعتباری ویژه برای تحصیلات زنان امری درخور توجه

جانبازان" و "وام ازدواج" اشاره کرد که تلاشی اندک اما مفید است برای ارتقای وضع معیشتی و اجتماعی زنان.

### پیشنهادها

در جزئیات هر کدام از بودجه های اختصاص یافته به انتقاد از هر یک پرداخته شد. اما شاید مهم تر از نقد وضعیت موجود، ارائه پیشنهادهای است که بتواند به هدفمندتر شدن بودجه های اختصاص یافته شده، منجر شود.

ایده آل جامعه در خصوص



عکس از الینا

از دیگر مواردی که می تواند بودجه ی اختصاصی دولت را دریافت کند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعتباراتی برای حضور زنان در ورزشگاه ها در جهت گسترش

فعالیت های ورزشی و

هم چنین تماشای بازی

های ورزشی

- بیمه زنان خانه دار

- وام های با سود

پایین برای اشتغال زایی

زنان

- تامین ودیعه مسکن

جهت افزایش استقلال

وضعیت زنان، آن جایی است که زن و مرد به وضعیتی از برابری

رسیده باشند که دیگر صحبت از زن یا مرد برای برنامه ریزی یا

اختصاص بودجه به میان نیاید. این اتفاق به معنای ایجاد فرصت

ریزی برای اوقات فراغت

های برابر برای حضور در اجتماع و مشارکت

بر اساس توانایی و قابلیت ها - و نه جنسیت -

است. اما تا زمانی که جامعه مردسالار بر تمام

روابط و مناسبت ها سایه انداخته است دولت

و فعالین اجتماعی نیز ناچارند تبعیض های

مثبتی را برای حذف این شکاف اعمال کنند.

همان طور که گفته شد، این مقاله پیشنهاد

حذف بودجه هایی را دارد که به زنان

اختصاص داده شده اما در جهت پیشبرد

اهداف منتهی به توانمندسازی و استقلال

زنان نیستند. شاید با حذف برخی از این

بودجه ها بتوان به زن نگاهی انسانی تر

داشت و او را از فردی که باید در فضایی "زنانه" رشد و تحصیل

کند و در نهایت مصداق ماشین جوجه کشی شود به انسانی که می

تواند در موقعیت های برابر، فرصت های برابری را از آن خود کرده

و در فعالیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش به سزایی

داشته باشد تبدیل کرد.

زنان

- حمایت از زنان در حوزه های هنری و فرهنگی و برنامه

ورزش و درمان زنان سالمند

رفع خشونت علیه زنان

- حمایت از تعاونی ها و تشکل

های بانوان

- سلامت جسمی و روانی زنان

خانواده های نیازمند و زنان در معرض

خطر

که باید امید داشت در فراکسیون زنان

تحت عنوان "توانمندسازی زنان" به

برخی از این عناوین پرداخته شود.

هرچند که تنها با امید نمی شود کاری

پیش برد.

ایده آل جامعه در خصوص وضعیت

زنان، آن جایی است که زن و مرد به وضعیتی

از برابری رسیده باشند که دیگر صحبت از زن یا

مرد برای برنامه ریزی یا اختصاص بودجه به میان

نیاید. این اتفاق به معنای ایجاد فرصت های برابر

برای حضور در اجتماع و مشارکت بر اساس

توانایی و قابلیت ها - و نه جنسیت - است. اما تا

زمانی که جامعه مردسالار بر تمام روابط و

مناسبت ها سایه انداخته است دولت و فعالین

اجتماعی نیز ناچارند تبعیض های مثبتی را

برای حذف این شکاف اعمال کنند.

منابع:

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز

اسناد، مدارک و انتشارات، ۱۳۹۶.

۲. طهماسبی، ویکتوریا و بهروش، میثم، کارنامه روحاندر حوزه زنان: وعده ها و

چالش ها، وبسایت بی بی سی فارسی، ۲۰ اردی بهشت ماه ۱۳۹۶.



# لزوم رعایت اصول حکمرانی مطلوب و نظارت دموکراتیک در بودجه‌بندی



محمد مقیمی

وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس ارشد حقوق بشر

”حکمرانی مطلوب (Good Governance)“ به ویژه اصول شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، برابری، انعطاف پذیری و حاکمیت قانون، نوعی هماهنگی میان این مفهوم و دولت خوب در اقتصاد ایجاد شد. تحت تاثیر نظریه یادشده، دولت کارآمد، دولت پاسخگو و دولت قابل اعتماد مطرح شدند. روش های نظارتی جدید در بودجه بر پایه فضا سازی فرهنگی و اعتماد متقابل است. در واقع، اعتماد و همکاری جای مدیریت از بالا را می گیرد. در مدیریت جدید بودجه، سعی می شود مشارکت بخش خصوصی و پاسخگویی بخش دولتی گسترش یابد.

امروزه تقریباً همه کشورها به غیر از ایران از نظام بودجه ریزی عملیاتی (با وجود تاکید برنامه چهارم توسعه) (۱) استفاده می کنند. این بودجه ریزی بر پایه شفافیت استوار است. بخشی از مشکلات بودجه کشورمان، ریشه در ساختار نابہسامان اقتصاد کشور، به ویژه پس از افزایش قیمت نفت در سال های ۱۳۵۴ به بعد و نوع استفاده دولت های سابق از آن دارد. بخش دیگر مشکلات، هزینه کردن دولت ها بر اساس درآمد نفت است (جنبه های هزینه ای بودجه سخاوتمندانه است ولی مبتنی بر تولید نیست). در هر حال کسری بودجه در کشور ما یک امر ساختاری و مزمن است. این مسئله پیامدهای سوء اقتصادی، مانند گسترش فساد اداری، افزایش فقر و ایجاد طبقات اجتماعی دارد. راه برون رفت از این وضعیت، کاهش هزینه ها از طریق کاهش دخالت دولت و پرهیز از تجمل و اشرافی گری دولتمردان، اجتناب از اسراف در مدیریت تخصیص منابع محدود و توجه به توسعه پایدار (۲) است. کاهش مالکیت دولتی و کوچک شدن آن، و افزایش مشارکت مردم، با بالا

بودجه هر کشوری شاخصی از اندازه دولت و نمادی از کارکرد آن است. برای ایجاد کارایی و برقراری عدالت اجتماعی، مجموعه متنوعی از اقدامات دولت ها ضروری است؛ برای نمونه، آمادگی دفاعی، تامین نظم و قانونگذاری، تامین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند حق بر آموزش، سلامت، محیط زیست سالم، غذا، مسکن، کار و غیره. این اقدامات نیازمند کسب درآمد و صرف هزینه است. در واقع، تدبیر برای دخل و خرج دولت ”بودجه بندی“ نام دارد. اگر کنترل و نظارت بر اقتصاد و به طور خاص بر بودجه اعمال نگردد، دستگاه ها می توانند با بی توجهی به قانون و در جهت منافع خود، خسارات زیادی به بخش عمومی وارد آورند. برای نمونه، موسسات مالی رسمی و غیررسمی به ارائه گسترده تسهیلات برای کسب سود بیش تر می اندیشند و پیامدهای این سیاست منفعت طلبانه را بر تورم و رانتی شدن فعالیت های اقتصادی مورد توجه قرار نمی دهند. بنابراین، ”بودجه بندی با سیاست بندی“ رابطه متقابل دارد. چگونگی توزیع قدرت، به طور قطع در تخصیص منابع تاثیرگذار است؛ برای نمونه بودجه شامل پرداخت یارانه به منظور برقراری عدالت اجتماعی است، اما این که مخارج دولت تا چه اندازه فاصله اقشار غنی و فقیر جامعه را کاهش یا افزایش می دهد، بودجه را به کاهش یا افزایش اختلاف قدرت ها و موقعیت ها تبدیل می کند و هم چنین، بودجه بازتاب حمایت از سازمان های خاص و اهداف آن ها است. دلایلی هستند مبنی بر این که ”بودجه ها آشکال قدرت هستند“.

از دهه ۱۹۸۰ بحث از مشارکت بیش تر بخش خصوصی، ظهور و گسترش دموکراسی، گسترش و جدیت در شفافیت و پاسخگویی دولتمردان، عدم تمرکز و غیره گسترش یافت. بنابراین، آزادسازی دستگاه های اجرایی از انحصارات دولتی و گسترش رقابت مورد توجه واقع شد. با مطرح شدن نظریه

بردن کارایی اقتصادی، منابع مالیاتی دولت را افزایش می دهد. برای این منظور باید اصلاح نظام مالیاتی صورت گیرد و کلیه ارکان حکومت از جمله نهادهای زیر مجموعه رهبری مالیات پرداخت کنند و تحت نظارت و پاسخگویی قرار گیرند.

از سویی دیگر، برای کارایی بیش تر بودجه و تدوین منظم و عادلانه آن، اصولی به نام "اصول بودجه" وجود دارد؛ سالانه بودن، وحدت، جامعیت، شمولیت، تخصیص و تعادل بودجه از مهم ترین اصول بودجه نویسی است. اصل وحدت بودجه یعنی بودجه کلیه واحدها و دستگاه ها اعم از درآمدها و هزینه های وزارتخانه ها، شرکت های دولتی و موسسات انتفاعی دولت و مانند آن، باید به طور یکجا جمع آوری و ثبت شود؛ در غیر این صورت هر دستگاه و

یا واحد کوچک دولتی می تواند بودجه جداگانه ای داشته باشد که هزینه زیاد، دشواری کنترل، ناهماهنگی و کاهش نظارت دولت را موجب می گردد. اصل جامعیت بودجه به معنای فراگیر بودن آن بر درآمدها و هزینه های کلیه

واحدهای دولتی و حکومتی است. به عبارتی دیگر هر نوع درآمد از هر واحد دولتی باید به حساب خزانه دولتی واریز و ثبت گردد و هرگونه هزینه ای نیز باید در چهارچوب قانون و زیر نظارت نهادهای قانونی صالح صورت پذیرد. چنان که اصل ۵۳ قانون اساسی بر این موضوع تاکید کرده است. بنابر اصل شمولیت، کلیه ارقام بودجه حتی کوچک ترین درآمد کشور - که به گونه ای به بودجه دولت ارتباط دارد- باید با ذکر مشخصات، میزان، چگونگی کسب و زمانبندی ذکر گردد؛ در این صورت نظارت های مردمی می تواند جزئی ترین منابع درآمدی و هزینه ای بودجه را رصد کنند. اصل تعادل در بودجه بیش تر جنبه هشدار دهنده دارد، این اصل به عقلانی بودن درآمدها و هزینه ها اشاره می کند. در واقع، وجود کسری یا مازاد بودجه، بایستی دارای توجیه اقتصادی و اجتماعی قابل قبولی باشد. اصل تخصیص بودجه به نحوی بر قانونمند بودن دولت در بودجه نویسی تاکید دارد. به عبارتی دیگر،

تخصیص بودجه نباید تابع عنصری غیر از قانون بودجه باشد و در صورت نیاز به اصلاح و تعدیل درآمدها و هزینه ها، با بررسی علمی و کارشناسی و در یک فرایند قاعده مند صورت پذیرد.

وانگهی، بودجه نویسی کارآمد و عادلانه در پرتو نظارت مردمسالارانه، رعایت شفافیت، قانونمندی، استفاده از نظر کارشناسان، مشارکت بخش خصوصی و آزادسازی اقتصادی، مشارکت مردم و نهادهای مردمی در تصمیم سازی و غیره امکان پذیر است. موارد پیش گفته، تنها در صورت وجود دموکراسی و رعایت اصول حکمرانی مطلوب، امکان پذیر است. قوه مجریه بخش مهمی از قدرت حکومت را در اختیار دارد. برای جلوگیری از استبداد احتمالی ناشی از قدرت قوه مجریه و تضمین

حقوق و آزادی های اساسی شهروندان، باید با توسل بر اصل تفکیک قوا، زمینه سرشکن کردن قدرت و توزیع عادلانه آن در ارکان حکومتی را فراهم کرد. در همین راستا، مجلس علاوه بر وظیفه قانونگذاری، مسئولیت های نظارتی

از جمله نظارت بر بودجه در جهت شفافیت اعمال قوه مجریه در مقابل افکار عمومی به عنوان یکی از ضمانت های اجرای حاکمیت قانون و پاسخگو بودن این قوه دارد. این مهم در صورت رعایت حق برخورداری از جریان آزاد اطلاعات میسر است. در واقع، از رسانه های آزاد به عنوان رکن چهارم دموکراسی (در کنار سه قوه) یاد می شود. در کشور ما متأسفانه رسانه آزاد وجود ندارد، اما در سال های اخیر شبکه های اجتماعی در فضای مجازی تا حدودی توانسته اند این خلاء را پر کنند.

پانوشته ها:

۱. شایان ذکر است، اعداد لایحه بودجه ۹۷ خلاف جداول برنامه ششم توسعه است.
۲. توسعه پایدار فرآیندی است که آینده ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به محیط زیست، نیازهای انسان را برطرف می سازد.



# با پول مردم در بودجه ۹۷ چه می کنند؟



مرتضی هامونیان

فعال حقوق بشر

این پول مردم به آموزش و پرورش، آموزش عالی، محیط زیست و موارد این چنینی اختصاص پیدا کند. البته و بنا به گزارشی که از دیدار با تنی چند از نمایندگان مجلس در کانال تلگرامی این کمپین منتشر شده، "برخی از نمایندگان گرچه در ابتدا از مطالبه کمپین استقبال کردند ولی بعد از این که مطلع شدند کمپین خواهان کاهش بودجه نهادها مذهب مانند حوزه علمیه است، ترجیح دادند خود را به دردرس نینداخته و دیگر حاضر به همکاری و کمک نشدند. شوربختانه این نمایندگان تیغ رذصلاحت از سو شورا نگهبان را از مطالبات به حق مردم مهم تر دانسته و از همکاری با کمپین امتناع ورزیدند."

اما این کمپین و دیگر فعالین از اختصاص بودجه به کدام مراکز و محل ها معترض هستند و دقیقاً منظورشان از عدم سود داشتن مراجعی که برای آن ها بودجه تخصیص می شود، چیست؟ آن هم در شرایطی که با نگاه به جدول شماره ۵ لایحه بودجه ۹۷ که مشتمل بر "درآمدها، واگذاری دارایی های سرمایه ای و واگذاری دارایی های مالی برحسب قسمت، بخش، بند، اجزا در سال ۱۳۹۷" است. مثلاً برای مالیات شماره گذاری خودرو ها شاهد جمع کلی بالغ بر ۱۶,۸۳۲,۳۷۷ میلیون ریال هستیم و یا در بخشی دیگر متوجه می شویم که حتی به درآمد از محل هایی به مانند "خدمات قضایی به مبلغ ۳۶,۹۷۰,۰۰۰ میلیون ریال، "صدور، تعویض و تمدید گذرنامه به مبلغ ۶,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال" و حتی در ردیف ۱۵۰۱۰۱ این جدول از درآمذزایی از محل "درآمدهای حاصل از جرایم رانندگی" به نظر غیرقطعی می آید و تنها بر اساس تخمین صورت پذیرفته هم سخن به میان می آید و مبلغ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰

"وقتی می گوئیم دولت پول بدهد، یعنی پول مردم". این یکی از جملاتی است که رئیس جمهور حسن روحانی در مصاحبه غیرچالشی خود با رضا رشیدپور در شبانگاه دوم بهمن ماه ۱۳۹۶ از رسانه ملی مطرح کرد. پول دولتی که نه از هر محلی و با خواست خود دولت، که می بایست از محل بودجه در نظر گرفته شده برای هر امری صورت بگیرد. بودجه ای که حسن روحانی تقدیم مجلس کرده است. بودجه ای که با هشتگ #بودجه۹۷ در شبکه های اجتماعی در خصوص آن سخن گفته می شود. بودجه در وضعیتی که دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان می گوید: "کارد به استخوان مردم رسیده و حالا می توان فقط برای بقای هر ایرانی تلاش کرد نه بیش تر!"

## بودجه خبرساز و کمپین تغییر آن

لایحه بودجه یا شاید در تعریفی کوتاه همان "تخمینی از درآمد و هزینه در طول یک بازه زمانی" برای سال ۹۷ شمسی خبرساز شد. شفافیت این بودجه اعلام شده به مجلس شاید در ابتدا قدری فریبنده بود، اما بعد با قدری جستجو می توان متوجه شد که هر سال میزان بودجه با جزئیاتش در سایت های دولتی منتشر می شود و اما امسال طرح سوال در خصوص آن در شبکه های اجتماعی موجب شد که لایحه بودجه که کم تر به خبر اول و بحث روز این شبکه ها بدل می شد (به دلیل ماهیت اقتصادی آن و جذابیت بیش تر مسائل سیاسی و اجتماعی برای شبکه های اجتماعی)، به بحث اول مبدل شود، سوالات بسیاری در خصوص آن شکل بگیرد و حتی کمپینی جدی با عنوان "تغییر بودجه به نفع مردم" در شبکه های مجازی و البته به صورت واقعی با همکاری تنی چند از فعالین در ایران شکل بگیرد. مطالبه اصلی این کمپین تغییر مواد این بودجه از اختصاص بودجه به مراجع و مراکزی که به تعبیر فعالین این کمپین سودی برای مردم ندارد است و ایشان می خواهند که



میلیون ریال برای آن پیش بینی شده است. یعنی در واقع دولت اولاً همه درآمدهای خود را از ریز تا درشت اعلام کرده و ثانیاً انگار از هیچ منبع درآمدی - هرچند محدود- نگذشته است تا در محل های پیش بینی شده به صرف برساند.

وقتی این چنین دولت از ریزترین محل های درآمدی نیز نمی گذرد تا کسب درآمد کند، پس قاعدتاً این بودجه باید در محل هایی خرج شود که در واقع بتوان گفت پول مردم، به تعبیر حسن روحانی، به کار مردم آمده است؛ محل هایی به مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی، محیط زیست و حل مسئله ریزگردها و مسائلی از این دست.

### بودجه ریزگردها و ریه های شهرها و مردمان

ذکر مسئله ریزگردها شد. باید با تعجب گفت که بودجه ریزگردها در تلفیق بودجه حذف شده است و البته آقای روحانی در آخرین مصاحبه شان تاکید کرده اند که آن را از هر راهی تامین می کنند. چرایی حذف شدن آن به

طور کوتاه ناشی از اختصاص بودجه برای مسئله ریزگردها از صندوق توسعه ملی بوده که با توجه به ممنوعیت برداشت از آن، بدون مجوز عالی ترین مقام نظام، یعنی مقام رهبری، در تلفیق حذف شده است. اما این که آقای روحانی آن را "از هر راهی" تامین می کنند، جای پرسش جدی دارد. بودجه نویسی و ارائه لایحه بودجه توسط دولت به مجلس، طرح آن در کمیسیون تلفیق و بحث بر آن، نهایی شدن و ارائه کلیات و جزئیات آن به مجلس و تصویب و تایید نهایی مجلس و شورای نگهبان برای آن است که دولت هر درآمد و خرجی که دارد، در بودجه لحاظ شود. در واقع قانوناً برای دولت "هر راهی" معنا ندارد. هر راهی برای دولت، باید از تصویب مجلس و شورای نگهبان بگذرد. فراموش نکنیم که اهل سیاست در سخن گزافه بسیار می گویند و در عمل محصور قوانین موجود و رژیم حقوقی و حقیقی اند. بماند که آقای رئیس جمهور در

گفتگوی ذکر شده فرموده اند که اصلاً خبر ندارند که این بودجه حذف شده؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

### موضوع جدول ۱۷

در خبرها اعلام شده است که جدول ۱۷ از لایحه بودجه ۹۷ حذف شده است. در جدول ۱۷ بودجه هایی اختصاصی برای برخی پژوهشکده ها، موسسه ها، دانشگاه ها و بنیادهای غیردولتی عموماً رانتی در نظر گرفته می شد که این جدول از لایحه بودجه حذف شده است. اما این خبر حذف خبر کاملی نیست. خبر کامل آن است که درست است که این جدول حذف شده، اما بودجه این موسسات در اختیار وزارتخانه های مربوطه

(مثلاً وزارت ارشاد) قرار می گیرد و در واقع به جای اختصاص بودجه مستقیم به این نهادها و بنیادهای رانتی، بنا بر این بودجه و در واقع با پوششی به عنوان قانونی شدن و پاسخگو شدن دولت در برابر بودجه، این



موسسات خاص بودجه خود را از وزارت خانه های مرتبط دریافت خواهند کرد. در شرایطی که وزارت ارشاد حتی در مجوزهایی که در حوزه هایی به مانند موسیقی و فیلم می دهد، کمیته لنگ است و هر بار یک نهاد خاص با اراده ای خاص تر دست به لغو برنامه دارای مجوز وزارت ارشاد می زند، مشخص است که چقدر وزارتخانه های دولت در برابر این نهادهای صاحب رانت می توانند مقاومت کنند. سید هادی حسینی، معاون پارلمانی وزیر فرهنگ و ارشاد، در اظهار نظری در این خصوص به خانه ملت گفته است: "حالا که کمیسیون تلفیق، بودجه نهادهای خاص را حذف کرده، باید بودجه آن ها را ذیل ردیف یک دستگاه فرهنگی تعریف کند؛ زیرا نمی شود آن ها را بدون اعتبارات رها کرد." به قول خود آقای روحانی: علی برکت الله!

مراکز خاص و بودجه های خاص تر

می شوند.

جامعه المصطفی که بنا بر اعلامش تا کنون بیش از ۵۰ هزار دانش پژوه را از ۱۲۲ ملیت مختلف گرد آورده و در واقع در آن آموزش های حوزوی (شیعی) به این افراد داده می شود و بعد این افراد برای تبلیغ به نقاط مختلف دنیا فرستاده می شوند در سال ۹۶، ۲۷۴ و نیم میلیارد تومان بودجه داشته که این بودجه برای سال ۹۷ به عدد ۳۰۳ و نیم میلیارد تومان ارتقا پیدا کرده است.

نجفی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی اداره می شود)، شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه زنان، دانشگاه شهید مطهری و موسسه نشر آثار بنیانگذار جمهوری اسلامی مبالغ به ترتیب ۷۴، ۲۸۰، ۲۵۸۲، ۱۱۷ و ۵۵۰ میلیارد ریال بودجه در نظر گرفته شده است.

به گزارش ایسنا در ۲۰ آذر ۱۳۹۶، برآورد بودجه سازمان اوقاف و امور خیریه چهار هزار و ۳۹ میلیارد و ۸۰۸ میلیون ریال است. هم چنین و بنا بر همین گزارش "برآورد بودجه

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به صورت کلی بیش از سه هزار و ۳۴۸ میلیارد ریال است. در این بین بودجه های پیش بینی شده برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (دو هزار و ۱۸۴ میلیارد ریال)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (۳۷۳ میلیارد ریال) مجمع جهانی اهل بیت (۴۷۸ میلیارد ریال)، دانشگاه اهل بیت (۴۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال) و دانشگاه مذاهب اسلامی (۱۴۵ میلیارد و ۸۲۷ میلیون ریال) در نظر گرفته شده است."

اگر قرار باشد این لیست کامل شود حدیثی مفصل می شود که از

مراکزی خاص و محل هایی مشخص از بودجه های مفصل دولتی برخوردارند. بودجه هایی که همان طور که گفته شد از محل درآمدهایی تامین می شود که گاهی آن قدر ریزند که شاید بتوان از دولت خواست تا در آن محل ها برای شهروندان تخفیف قائل شده و آن خدمات را نه با دریافت مبلغ که به مانند بسیاری از کشورهای جهان به طور ارائه دهد. بودجه ای که یکی از محل های درآمدش تخلفات رانندگی مردمان است. اما این مراکز خاص بدون پاسخگویی به دولت که این بودجه ها را

صرف چه و کجا می کنند، دست در جیب بودجه دولتی دارند و اگر تعبیر آقای روحانی مبنی بر پول مردم بودن بودجه را بپذیریم، در واقع دست در جیب مردم می کنند و خود را برتر از پاسخگویی می دانند.

بودجه حوزه های علمیه در کشور از حدود ۸۱۵ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۶ به ۸۹۷ میلیارد تومان ارتقا پیدا کرده است. برای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در سال آتی مبلغ ۴۷ میلیارد و ۷۲۲ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. این بودجه

از ۴۳ میلیارد تومان در سال جاری به این عدد ارتقا یافته است. بودجه سازمان تبلیغات اسلامی از کمی کم تر از ۳۸۵ میلیارد تومان در سال جاری به ۴۳۰ میلیارد تومان برای سال ۹۷ رسیده است و در میان زیر شاخه های این سازمان، حوزه هنری بیش ترین بودجه را به خود اختصاص داده است. این نهاد و جامعه المصطفی العالمیه و البته بسیاری از نهادهای دیگری که به این صورت بودجه دریافت می کنند به رهبر جمهوری اسلامی وابسته اند و مستقیم و یا غیرمستقیم زیر نظر او اداره

جامعه المصطفی که بنا بر اعلامش تا کنون بیش از ۵۰ هزار دانش پژوه را از ۱۲۲ ملیت مختلف گرد آورده و در واقع در آن آموزش های حوزوی (شیعی) به این افراد داده می شود و بعد این افراد برای تبلیغ به نقاط مختلف دنیا فرستاده می شوند در سال ۹۶، ۲۷۴ و نیم میلیارد تومان بودجه داشته که این بودجه برای سال ۹۷ به عدد ۳۰۳ و نیم میلیارد تومان ارتقا پیدا کرده است.

در بودجه ۹۷ برای نهادهایی چون کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی اداره می شود)، شورای سیاستگذاری حوزه های علمیه زنان، دانشگاه شهید مطهری و موسسه نشر آثار بنیانگذار جمهوری اسلامی مبالغ به ترتیب ۷۴، ۲۸۰، ۲۵۸۲، ۱۱۷ و ۵۵۰ میلیارد ریال بودجه در نظر گرفته شده است.

مجال سخن خارج است. بودجه های بی حساب و کتابی که به سازمان ها و نهادهایی داده می شود که به هیچ مرجع مورد تایید مردمی پاسخگو نیستند. در واقع این بدان معنی است که "پول مردم" را می گیرند و اما به همان مردم هیچ پاسخی نمی دهند.

اما شاید بد نباشد به برخی موارد خاص در جدول شماره ۹ بودجه نیز اشاره کنیم. ردیف ۵۹ "رفع بوی نامساعد اطراف فرودگاه امام خمینی" است که برای آن اعتباری بالغ بر ۱,۰۰۰,۰۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. و این در حالی است که مثلاً در

طبقه بندی بندی در ردیف ۶۰ برای مسئله ای چون "آماده سازی و احداث فضاهای پژوهشی و فناوری در پارک علم و فناوری استان های چهارمحال بختیاری، خوزستان، مازندران، کردستان، گلستان، قم، اردبیل، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد" تنها اعتباری بالغ بر ۱۰۰,۰۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. اختلاف تعداد صفرها خود مشخص است که برای بودجه نویسان بدی بوی اطراف فرودگاه امام خمینی چقدر اهمیت دارد و فضاهای پژوهشی و فناوری در ۹ استان

کشور چه میزان اهمیت. خود اعداد زبان گویایی دارند.

### مظلومان بودجه

اختلاف تعداد صفرهایی آخرین موردی که بالا مطرح شد، خود گویای آن است که نگاه بودجه نویسان تا کجا مردم محور است و تا کجا حاکمیت محور. داستان تلخ حذف بودجه ریزگردها را نیز در بالا گفتیم.

برای آموزش و پرورش به طور کلی مبلغی معادی ۳۵ هزار ۹۸۴ میلیارد و ۷۰۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان اختصاص یافته است. این عدد جمع همه بودجه های اختصاص داده شده به این وزارتخانه بنیادین است که تربیت فرزندان ایران زمین وظیفه اوست. این درحالی است که محمود فرشیدی، وزیر اسبق آموزش و پرورش، در خصوص این بودجه در تاریخ ۹ دی ۹۶ به تسنیم گفته است که

"بودجه سال ۹۷ وزارت آموزش و پرورش در حالت خوشبینانه فقط پاسخگوی پرداخت حقوق معلمان است". در یک نگاه بودجه آموزش و پرورش در سال ۹۷ نسبت به سال های گذشته روندی مثبت داشته اما تا رسیدن به عددی که بتواند نیازهای این وزارتخانه عریض و طویل با این وظیفه سنگین و مشکلات بسیار را پاسخگو باشد، راه درازی در پیش دارد. و در یک نگاه بنا به گفته حسین مقصودی، نماینده مجلس، "آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۹۷ مورد بی مهری قرار گرفته است". قدری به این

فکر کنیم که از محل تخصیص بودجه به نهادهای خاص زیر نظر محل های با کارکردهای خاص، بودجه به آموزش و پرورش این مملکت تزریق می شد؛ که اگر می شد چه می شد.

با توجه به لایحه دولت، بودجه مراکز علمی و دانشگاهها در سال ۹۷ در مقایسه با امسال رشد ۱۳.۲۷ درصدی دارد و اما رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در گفتگو با ایسنا از کسری جدی این بودجه و بودجه های آموزشی کشور سخن می گوید. باز همان اگر می شد چه

ردیف ۵۹ "رفع بوی نامساعد اطراف فرودگاه امام خمینی" است که برای آن اعتباری بالغ بر ۱,۰۰۰,۰۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. و این در حالی است که مثلاً در طبقه بندی بندی در ردیف ۶۰ برای مسئله ای چون "آماده سازی و احداث فضاهای پژوهشی و فناوری در پارک علم و فناوری استان های چهارمحال بختیاری، خوزستان، مازندران، کردستان، گلستان، قم، اردبیل، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد" تنها اعتباری بالغ بر ۱۰۰,۰۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

میشد فوق که فکر نمی کنم نیازی به تکرار باشد.

و به این لیست باید اضافه کرد بودجه محیط زیست را (که ریزگردش حذف شده) و الباقی بودجه های زیربنایی، تولیدی و عمرانی که اگر اعداد آن ها با بودجه های ارائه شده به مراکز خاص قیاس شوند روایتی از ظلم به آن پول مردم را فریاد خواهند کرد.

البته شاید برای بودجه سال آتی باید این حرف ها را هم شنید. احسان خان دوزی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در نشست دین و اقتصاد که گزارش آن در ۱۵ دی ۹۶ در ایسنا منتشر شده، گفته است که: "لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، اولین بودجه دولت روحانی است که در قیاس با بودجه های سال های گذشته تفاوت هایی دارد؛ اعم از این که برای



مسئولان بلندپایه قوه قضاییه آن را فریاد می‌کند و به رخ حاکمان غافل می‌کشد. البته انگار نه فشار مردمان، که فشار FATF بر شفافیت اقتصادی بیش تر و کاهش پولشویی در ایران، حاکمان را بر آن داشته تا از واگذاری بنگاه های اقتصادی سپاه و ارتش به "مردم" سخن بگویند. البته به احتمال زیاد این

مردم تعبیر به شرکت های خصوصی زیر مجموعه این نهادها می‌شود. در واقع با دور زدن مجامع بین المللی هم رضایت آن ها را به دست می‌آورند و هم به شغل شریفشان ادامه می‌دهند. اختصاص بودجه به نهادهای عجیب و غیر پاسخگو و ترس



نمایندگان از ورود به این حوزه و احتمال رد صلاحیت شدن آن ها، امیدها را برای بهبود وضعیت بودجه ۹۷ به ناامیدی نزدیک می‌کند. بودجه ای که البته پس از طی مراحل کمیسیون تلفیق، تصویب کلیات و جزئیات و بحث در مجلس و بعد تایید شورای نگهبان (در شرایطی که برای خود آن ها در سالی که در آن انتخاباتی نیست مبلغ ۵۰ میلیارد تومان نیز با عنوان "برنامه نظارت بر انتخابات" در نظر گرفته شده) احتمال فاصله ای معنا دار با لایحه اولیه ارائه شده دولت خواهد داشت. باید منتظر بود و دید که قرار است چه بر سر درآمدهای کشور در سال ۹۷ آورده شود. باید منتظر بود و دید.

پانوشته ها:

۱. کانال تلگرام "کمپین تغییر بودجه به نفع مردم"
۲. متن ۳۸۷ صفحه ای لایحه بودجه ۱۳۹۷، وبگاه شناسنامه قانون
۳. اکانت توییتری پاد @PadDolat، پایگاه اطلاع رسانی دولت دوازدهم در توییتر
۴. لایحه بودجه ۱۳۹۷؛ نگاهی به سهم نهادهای مهم مذهبی، بی بی سی فارسی، ۲۱ آذر ماه ۱۳۹۶

افزایش قیمت حامل های انرژی تصمیم گیری شده و یارانه بخشی از افراد حذف شده است. در سال های گذشته بودجه دولت عمدتاً در امتداد مسیری بود که در دولت دهم بنا گذاشته شده بود". او در این نشست بیان کرده که: "بودجه سال ۱۳۹۷، اولین بودجه دولت روحانی است، چون در چهار سال گذشته به

نظر می‌رسد که تغییری در بودجه آخر دولت دهم ایجاد نشد؛ به جز این که مخارج و درآمدها با ضریبی افزایش یافته بود. از این جهت می‌توان به فال نیک گرفت که نشانه های سیاست های متفاوت در بودجه هست. حالا باید دید چقدر جدی است؟"

ما نیز به مانند ایشان منتظر هستیم با توجه به توضیحات فوق الذکر بدانیم که این تغییر سیاست ها تا چه حد جدی است و تا چه حد در حد همان حرف هایی که آقای روحانی در تمام این سال ها زده اند و بعدش یک "علی برکت الله" می‌گفته اند!

\*\*\*

لایحه بودجه ۹۷ بدل به لایحه ای جنجالی شد. هم از این جهت که در شبکه های اجتماعی به صورتی وسیع مطرح شد، و هم این که اعتراضات سراسری دی ماه ۹۶ با مضمونی اقتصادی و البته رخ به رخ تمامیت حاکمیت در واقع از شرایط فاجعه بار اقتصادی جامعه ای حکایت می‌کرد که جانش به لب رسیده و اصول گرا و اصلاح طلب را رد می‌کند و از تمام شدن ماجرا سخن می‌گوید. اقتصادی که نتیجه حکمرانی بسیار بد حاکمان ایران در ۴ دهه اخیر به طور اعم، و ۳ دهه اخیر به طور اخص است. حکمرانی بدی که به ناکارآمدی تمامیت حاکمیت منجر شده که دکتر حسن محدثی، جامعه شناس، در مجله تصویری زاویه در شبکه چهار سیمای ملی و در برابر یکی از

# افزایش عوارض خروج از کشور؛ کاهش شانس امید



بهروز کاظمی

روزنامه نگار

سه نکته مقدماتی:

۱- چند سال پیش دوستی از من پرسید: "چه چیزی از زندگی در خارج از ایران برایت جذاب بوده؟ آزادی؟ تفریح؟ یا چه؟". گفتم: "احساس آزادی! این به معنای استفاده از آن نیست بلکه بتوانی درک کنی که وقتی آزاد هستی چه احساسی داری!"

۲- کافیت یک عصر تابستانی در حوالی میدان تکسیم استانبول قدم بزیند تا شاهد ایرانیان فراوانی باشید که برای سفر به ترکیه آمده اند. بسیاری از این توریست ها از طبقه متوسط هستند و تنها چند سفر خارجی داشته اند که غالب آن ها به ترکیه و دوبی بوده است. با این همه، آن ها که سال ها خارج از ایران زندگی کرده اند در مواجهه با بسیاری از ایرانیانی که برای اولین بار از ایران خارج می شوند متوجه نکات ریز فراوانی در رفتارشان می شوند.

۳- چند سال پیش محمد خردادیان، پس از سال ها زندگی در آمریکا به ایران آمد و بازداشت شد و در نهایت محکوم. در حکم محکومیت او بندی وجود داشت که ناظر حساس را میخکوب می کرد. حکمی که برای بسیاری از بازداشت شدگان سیاسی هم صادر شده و می شود: ۱۰ سال ممنوعیت خروج از کشور!

همان زمان وبلاگ نویسی نوشته بود: "معمولاً وقتی کسی را می خواهند محاکمه کنند او را در زندان (قفس) قرار می دهند. آیا این حکم به این معنا نیست که عدم خروج از ایران به معنای ماندن در چیزی شبیه زندان و عدم بهره بردن از بسیاری چیزها هم چون حس آزادی است به خصوص برای طبقه متوسط؟"

افزایش عوارض خروج از کشور یا پایان امید؟

بسیاری معتقدند اعلان شفاف بودجه در سال ۱۳۹۶ بسیاری از مردم را متوجه اسرار وضعیت خراب اقتصادی و در جا زدن کشور کرد. بخشی از این شوک اجتماعی را می توان در شبکه های اجتماعی و در مورد ردیف بودجه های مربوط به مراکز مذهبی دید. در بودجه سال آینده اما افزایش نرخ عوارض خروج از کشور هم چند روزی شبکه های اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده بود تا جایی که ساکنان دولت و مجلسیان را قانع کرد که باید در آن تغییری ایجاد کنند.

به نظر می رسد بیش ترین گروهی که دانشان از این تغییر در آمده بود، همان هایی بودند که آن ها را در طبقه متوسط قرار می دهیم. گروهی از جامعه که علی رغم پتانسیل علمی و فرهنگی بالا از بنیه اقتصادی ضعیفی برخوردار است و کوچک ترین تغییری در وضعیت اقتصادی، تاثیرش را در زندگی روزمره آن ها نشان می دهد. افراد این طبقه خواسته های اجتماعی مشابه با اکثر افراد از طبقه بالاتر اقتصادی دارند؛ حال آن که توانایی بسیار محدودتری از بعد مالی دارند.

طی سال های گذشته، تجربه چند روز زندگی در خارج از ایران و تغییر "درک حسی" از آزادی های رایج در جهان به "درک عینی"، به مسئله ای رو به رشد در بین جامعه ایرانی بدل شد. نیازی که در بین طبقه متوسط بسیار رو به رشد است. طبقه متوسط برای حکومت هایی که از دموکراسی کم تر بهره برده اند، از این جهت مهم است که حالت انقلابی گری کم تر و نقشی فعالانه تر در حوزه های اجتماعی و سیاسی دارد. پایگاه رای اصلاح طلبان و اعتدالیون در ایران، بیش تر در این طبقه است. هر چقدر این طبقه از رشد جمعیتی بیش تری برخوردار شود، شانس اتفاقات لحظه ای -از جمله شورش ها و انقلاب ها - کم تر می شود اما افت میزان امید در این طبقه می تواند عوارض جبران ناپذیری برای حاکمیت و کشور داشته باشد. اتفاقی که در ایران در حال افتادن است.

به وجود آورده است که مشارکت یا عدم مشارکت در تحولات قانونی سیاسی، تاثیر چندانی ندارد. آن جا که دولت پول کم می آورد، به جای کاستن از هزینه های غیر ضروری و کم کردن بودجه نهادهای خاص، نگاه به جیب مردم دارد. مردمی که دیگر چیز زیادی در جیبشان نمانده است و این حق را دارند که با اندک توانایی مالی خود، شانس استفاده از تفریحات حداقلی و بهره مندی از آزادی های موقتی را داشته باشند؛ اتفاقی که انگار باید از آن هم محروم شوند.

اگر حکمرانان امروز ایران به دنبال ریشه یابی اعتراضات اخیر هستند، باید به این مسئله دقت کنند که چه اتفاقی افتاده است که بخشی از همان مردمی که چند ماه پیش در یک انتخابات نسبتاً پر شور شرکت کرده بودند و طبیعتاً باید بخشی از انرژی انتقادی آن ها تخلیه می شده است، حال به کف خیابان می



آیند و آماده هزینه های سنگین می شوند؟ این گروه شانس های امید تغییر مسالمت آمیز هستند که کمرنگ شدنشان می تواند اتفاقاتی متفاوت را در آینده رقم بزند. شاید افزایش نرخ عوارض خروج از کشور برای دولت توجیهاتی داشته باشد اما در "شرایط حساس کنونی" برای بخش زیادی از مردم ایران تنها یک نشانه است: ما حق لذت بردن از زندگی نداریم و امید چندانی هم باقی نمانده است.

گابریل مارسل، فیلسوف مشهور فرانسوی معنای امید را با آرزو متفاوت می داند. او معتقد است که امید حالتی درونی است که این باور را به وجود می آورد که شر هرگز پیروز نهایی نخواهد بود. او داشتن امید را شانس یک جامعه برای باور به آینده بهتر می داند. حال جامعه ای را تصور کنید که نشانه های فراوانی از باطل بودن امید می بیند. حتی یک شهروند عادی هم می تواند از تصور این جامعه دچار وحشت شود.

پس از اعتراضات اخیر خیابانی در ایران (که از بسیاری جهات برای اولین بار رخ داده بود)، برخی از کارشناسان بر این باور بودند که اعلام شفاف بودجه نقشی جدی در تحریک مردم داشته است. مردمی که یکی از معدود دلخوشی های بخشی از آن ها، همین سفرهای چند روزه به خارج از ایران بود. این اختلاف قیمت در عوارض خروج از کشور برای این طبقه عددی بسیار قابل توجه است. در شرایطی آن ها از این پس مجبور به پرداخت چند برابری عوارض خروج از کشور هستند که به عنوان یک نمونه باید شاهد افزایش بودجه موسسات مذهبی عجیب و غریب باشند.

واکنش ها نسبت به اعتراضات اخیر نشان داد که بخشی از مردم - که از قضا بسیاری از آن ها از طبقه متوسط هستند - دیگر امید چندانی به اصلاح امور و بهبود وضعیتشان ندارند. آن ها سال

ها مشارکت عمومی در مسائل سیاسی مد نظر نظام را تجربه کرده بودند؛ هزینه داده بودند اما امید را حفظ کرده بودند. وقتی سخنگویان دولت سعی کردند افزایش نرخ عوارض خروج از کشور را به معنای همیاری مردم در توسعه زیرساخت های گردشگری داخلی و افزایش شانس جذب توریست خارجی ترجمه کنند، بسیاری نپذیرفتند؛ زیرا ردیف های دیگر بودجه مقابل چشمشان بود. مردم به دولت و مجلسی رای داده بودند که بتواند پس از دوران مصیبت بار احمدی نژاد، آلام آن ها را یکی یکی بهبود بخشد اما گاهی یک تلنگر ساده منجر به فرو ریختن امیدهای فراوان می شود.

شاید در حالت عادی بسیاری از افرادی که به این افزایش اعتراض کرده و می کنند، دیگر توانایی سفر خارجی نداشته باشند اما امید آن ها جریحه دار شده است. این گونه افزایش نرخ ها در این طبقه - و به عبارتی اکثریت مردم - این باور را



# بنزین را گران نکن، بودجه سپاه را کم کن!



بهداد بردبار

روزنامه نگار

دلایل اعتراضات بوده.

دولت روحانی ادعا می کند که تورم را کنترل کرده، رشد اقتصادی مثبت بوده و نرخ بیکاری کاهش یافته. ادعاهایی که راحت نمی شود قبول کرد. مثلاً نرخ بیکاری کل کشور بر اساس آمار رسمی در سال ۱۳۹۶ در حدود ۱۱ درصد بوده. نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۸ هم به همین میزان بوده. همین طور می شود پرسید که اگر رشد اقتصادی وجود داشته چه کسانی نفع برده اند؟

روحانی به دنبال کاهش تصدی گری دولت است. یعنی بسیاری از خدماتی را که دولت انجام می دهد، می خواهد به بخش خصوصی واگذار کند. در قانون اساسی ایران تحصیل در مدارس به عنوان یک حق عمومی مطرح شده ولی دولت مدارس بخش دولتی را به بخش خصوصی واگذار می کند یا تغییر کاربری می دهد. خانواده دانش آموزان مجبور هستند که برای ثبت نام محصلان مبالغی را پرداخت کنند و خانواد هایی که امکانش را دارند فرزندان خود را در مدارس خصوصی ثبت نام کنند و از جیب خودشان هزینه تحصیلشان را بدهند.

تحصیل، سلامت و خدمات شهری به کالا تبدیل شده و دولت حاضر نیست برای حمایت از طبقات محروم این خدمات را ارائه کند. در عوض هر روز پول بیشتری طلب می کند. به گزارش رسانه‌ها: در لایحه پیشنهادی بودجه سال آینده، مانند سال های گذشته مبالغ هنگفتی به موسسه ها و نهادهای مذهبی اختصاص داده شده است. بودجه برخی از این نهادها که به جایی پاسخگو نیستند از کل بودجه حفاظت از محیط زیست بیش تر است.

نهادهایی هم چون "مجمع جهانی اهل بیت" و "مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی" که به گفته رئیس جمهور تنها بودجه می گیرند و در مورد فعالیت های خود نیز پاسخگو نیستند. در صورت گرانی بنزین واکنش روانی عموم مردم چه خواهد

پایگاه اطلاع رسانی دولت طی اخباری رسماً اعلام کرد قیمت بنزین در سال ۹۷ به ۱۵۰۰ تومان می رسد. در کنار این خبر کمی قدیمی، در این هفته خبر دیگری از یک اختلاس صد میلیارد تومانی هم منتشر شده. یک کارمند ساده در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت با سوءاستفاده از امکانات شغلی، صد میلیارد تومان را طی ۹ سال به جیب زد و از کشور فرار کرد.

حداقل دستمزد یک کارگر در ایران ۹۴۰ هزار تومان است. میزان اختلاس این کارمند ساده را تقسیم بر یک میلیون می کنم. حاصل تقسیم عدد صد هزار است. پس در یک رقم اختلاس در وزارت نفت معادل دستمزد یک صد هزار کارگر دزدیده شده. هم چنین یک دکل ۷۸ میلیون دلاری توسط سه نفر به دولت وقت فروخته شده بود. این اشخاص پول را دریافت کرده بودند و دکلی تحویل نداده بودند. در پرونده بابک زنجانی هم یک بدهی دو و نیم میلیارد یورویی از فروش نفت ثبت شده است.

بحث بر سر نتایج اقتصادی افزایش قیمت بنزین بدون در نظر گرفتن وضعیت سیاسی کشور غیر ممکن است. افزایش قیمت بنزین بر روی زندگی عموم مردم تاثیر خواهد گذاشت. اما بر زندگی بیکاران، بازنشسته ها، حاشیه نشین ها و اقشار کم درآمد تاثیری مضاعف خواهد گذاشت. مصرف بنزین برای حمل و نقل ضروری است و کاستن مصرف بنزین توسط شهروندان دشوار است. پیش از بالا رفتن قیمت بنزین راننده های تاکسی و اسنپ به استقبال آن می روند و کرایه ها را زیاد می کنند. کرایه که زیاد شد قیمت نان و شیر و تخم مرغ هم اضافه خواهد شد. در دی ماه، قیمت تخم مرغ به دانه ای ۶۰۰ تا هزار تومان رسیده بود و ناظران می گفتند که گرانی این ماده سرشار از پروتئین، یکی از

دستمزد معوقه، قطع دست دزد گوسفندان در خراسان را بگذارید کنار تساحل نظام قضایی در برابر مفسدان دانه درشت اقتصادی. به نظر شما این وضعیت اقتصادی - عدم پرداخت دستمزدها توسط کارفرما - و حمایت دولت و قوه قضاییه از کارفرما چه تصویری در ذهن طبقات محروم ایجاد می کند؟

خبرگزاری‌های ایران هم چنین از پیش بینی افزایش ۲۰ درصدی قیمت آب و گازوئیل در لایحه بودجه ۹۷ و در کنار آن، از افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در سال آینده خبر داده اند. دولت هم چنین در بودجه سال آتی، عوارض خروج از کشور را سه برابر افزایش داده است.

تا این جای کار، دولت وعده داده تا سرمایه خارجی را جذب کند تا اشتغال ایجاد کند و رونق اقتصادی ایجاد شود. ولی معلوم نیست که کشوری که درگیر یک جنگ سرد با عربستان و امارات است و در چند جبهه عراق و سوریه حضور دارد چطور می خواهد امنیت سرمایه گذار خارجی را تامین کند.



گزارش میزان بارش باران در سال جاری نشان می دهد که بارش باران نسبت به میانگین دراز مدت سال های قبل ۶۱ درصد کاهش یافته. سال آینده سال سختی برای کشاورزان و دامداران خواهد بود. افزایش قیمت بنزین هم قیمت کالای تولیدی آن ها را افزایش خواهد داد.

در شرایطی که نارضایتی عمومی افزایش یافته افزایش قیمت بنزین همانند تیر خلاص زدن دولت روحانی به خودش خواهد بود. گفته می شود که در آبان ماه یکی از متهمان پرونده اختلاس صندوق ذخیره فرهنگیان با ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی از ایران گریخته است. این متهم و کارمند ساده وزارت نفت و آن سردار سابق هر کدام به قدر توانشان می دزدند و کسی هم پاسخگو نیست. عموم مردم می مانند و گرانی و بیکاری.

بود؟ پول را می گیرند و به ”مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی“ می دهند یا با این پول جنگجویان مزدور استخدام می کنند تا در عراق و سوریه با عنوان مدافعان حرم بجنگند؟ دولت ایران توانایی بازسازی مناطقی که بر اثر سوانح طبیعی صدمه دیده اند، ندارد و می گوید بودجه نداریم ولی همین دولت بودجه سپاه قدس را می تواند افزایش دهد.

کارگران هپکو، آذرآب، نیشکر هفت تپه و دهها کارگر مشغول در معادن نسبت به عدم پرداخت حقوق و پرداخت نکردن حق بیمه دست به راهپیمایی خیابانی زده اند. صدها کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در آذر ماه، در اعتراض به پرداخت نشدن پنج ماه دستمزد و نیز حق بیمه خود از سوی کارفرمای خصوصی این واحد اعتصاب کرده بودند. هم چنین کارگران هفت تپه خواستار بازگردان مالکیت این شرکت به بخش دولتی شده بودند. شتاب گرفتن خصوصی سازی، اجرای

پروژه های نولیبرال توسط دولت روحانی و افزایش فاصله طبقاتی در جامعه از جمله عوامل شورش های اخیر است. پیش از این حسین زاغفر اقتصاددان این موضوعات را این گونه توصیف کرده بود: ”رژه اشرافی گری در برابر فقر حاد بخش عمده مردم“.

آزاد کردن اقتصاد در فضای رانتی ایران، حقوق اجتماعی سیاسی را به مسلخ می برد. مخالفت با تشکیل سندیکای مستقل کارگری، بی توجهی به خواست کارگران در زمان تهیه قانون کار ادعای قربانی شدن حقوق سیاسی - اجتماعی کارگران را تایید می کند. نتیجه پافشاری معلمان و کارگران بر حق تشکیل سندیکا، صدور احکام زندان برای فعالان این عرصه بوده. شلاق خوردن کارگران معترض به عدم پرداخت

# از تعقیب تا زندان

وارد این چرخه نشود و هیچ کس را بی دلیل وارد این چرخه نسازند؛ اما به هر ترتیب کسی که قصد دارد در حیطه سیاست فعالیت نماید، ناگزیر از دانستن این موارد است. امید که این کتاب گشایشی باشد برای ورود وکلا، قضات، اساتید حقوق و سایر کارشناسان به بحث در خصوص اصلاح و رفع ابهام از بعضی مواد قانون تا بسیاری از گل آلودی این آب ماهی نگیرند به خصوص که در سال ۹۷، اجرای آزمایشی پنج ساله قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ و نیز اجرای آزمایشی قانون آیین دادرسی کیفری به پایان رسیده و احتمالاً لایحه اصلاح این قانون مهم و سرنوشت ساز هم اکنون در دست تهیه است، در صحن مجلس مطرح شده و به تصویب خواهد رسید. فعالین سیاسی و مدنی نیز باید از تجربیات ۵ ساله خود در خصوص این قانون جدید سخن بگویند، محاسن این قانون نسبت به قانون سابق را تقویت کرده و معایب و ابهامات آن را که سبب تضییع حقوق شان شده است را برطرف سازند.

از تعقیب تا زندان که در پاییز ۱۳۹۶ نوشته شده، در شرایطی منتشر شده است که نویسنده آن، خود به اتهام تشکیل "شبه جمعیت پاتوق گرگان" در زندان امیرآباد گرگان محبوس است.

روزبه گیلاسیان، دانش آموخته فلسفه علم در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه شریف، نویسنده کتاب "از تعقیب تا زندان" است که به حقوق متهمان و محکومان سیاسی-امنیتی بر اساس آخرین اصلاحات قانون می پردازد. گیلاسیان، کتاب های دیگری چون "فلسفه در خیابان"، "انسان ماه بهمن"، "فال های عاشقانه"، "جزوه انقلاب"، "فیلسوف کوچولو" و "اکنون دانشگاه" را نیز نوشته است که اغلب از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار نگرفته اند و در سایت های اینترنتی منتشر شده اند.

کتاب فوق الذکر، با یک مقدمه و ۸ فصل به نام های "جرائم و مجازات"، "تعقیب و بازداشت"، "حقوق متهم"، "تعاریف و اصول دفاع از حقوق متهم"، "رسیدگی در دادگاه"، "اعتراض به آرا"، "اجرای احکام کیفری" و "زندان و قوانین مربوط به تحمل حبس" تدوین شده و در مقدمه تاکید شده است که: "این کتاب نه یک تالیف در معنای رایج آن؛ بلکه نوعی گردآوری، سامان دهی و ساحت بخشی قوانین و مقررات است."

از تعقیب تا زندان، به جرائم در چهار دسته بندی مجزا تحت عناوین "جرائم امنیتی"، "جرائم عمومی با امکان محتوای سیاسی"، "جرائم سیاسی" و "جرائم با مجازات حدی" به صورت مفصل پرداخته است.

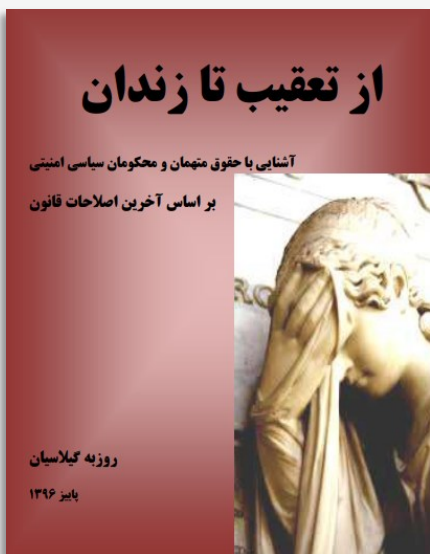
برای آشنایی بهتر با این کتاب، خواندن بخش هایی از مقدمه آن ضروری می نماید: "همان طور که دیده می شود سامان کتاب به گونه ای چیده شده است که هر فعال مدنی در جریان فعالیتش ممکن است به صورت مرحله ای با آن مواجه شود: از تعقیب، احضار، بازداشت، تفهیم اتهام، رسیدگی در دادگاه، صدور رای، اعتراض به آرا، تجدید نظر، اجرای احکام کیفری و در نهایت زندان. امید که هیچ کس

نام کتاب: از تعقیب تا زندان

نویسنده: روزبه گیلاسیان

زمان انتشار: بهمن ماه ۱۳۹۶

توضیح: برای دسترسی به نسخه الکترونیکی این کتاب، می توانید به وبسایت رادیو زمانه مراجعه کنید.





# خط صلح

ماهنامه‌ی حقوقی اجتماعی خط صلح  
شماره ۸۱ - بهمن ۱۳۹۶ - سال هشتم

